

تاریخچه کلیسای واقعی

از آدم تا امروز

کشیش Jairo P. Alves de Carvalho

معرفی

هزاران کلیسا بر روی زمین وجود دارد که همگی ادعا می کنند که هستند، اگر نه مجرا، تسهیل کننده ارتباط انسان و خدا. اما تقریباً همه آنها آداب و معارفی دارند مفرد، که با بقیه متفاوت است. در میان این همه تنوع، این سوال طبیعی مطرح می شود: می توانم خدا بودن و عمل در همه آنها؟ مهم نیست به کدام سمت بروم، آیا او را در هر یک از آنها خواهم یافت؟ پاسخ در کتاب مقدس یافت می شود. با این حال، غوطه ور شدن در دریای فرقه های مختلف، جستجو شبیه به جستجوی میوه مناسب در میان تمام غرفه های بازار است. اغلب لازم است گوش های خود را از فریادهای غرفه داران و توجه فروشندگان بدخواه منحرف کنید. به وضوح بدانید که می خواهید چه چیزی بخرید، با چشم و دست خود آنچه را که مهم نیست جدا کنید، تا زمانی که پیدا کن برای چی اومدی همین طور در زمینه دین نیز شناخت سرنخ ها ضروری است ایده های کتاب مقدسی که ما را به رویارویی با کلیسای واقعی هدایت می کند. در پاراگراف بعدی الف خلاصه ای از آنها شما آنها را بهتر درک خواهید کرد، بنیاد کتاب مقدس آنها را خواهید دید و کشف خواهید کرد امروز که کتاب را می خوانید، کلیسای واقعی خدا چیست؟ به همین دلیل توصیه می شود فصل ها را نادیده نگیرید بگذارید حقیقت در حین خواندن برای شما آشکار شود. به طور خلاصه، در تمام نسل ها، همیشه تنها یک کلیسای واقعی روی زمین وجود داشته است. با این حال، کلیسای واقعی همیشه یکسان نبود. کلیساهای مختلف در این مأموریت جانشین یکدیگر شدند شمعدان حاوی حقیقت کلام را بردارید که «چراغی برای پاها و چراغی برای راه» انسانها (مزمور 119:105) کلیسای واقعی دارای ویژگی های متمایز است که در هر زمان به وضوح قابل شناسایی است. با دانستن این خصوصیات، ما می توانیم جانشینی کلیساهای واقعی را در طول تاریخ دنبال کنیم. پیشگویی ها اشاره کردند ظهور هر کلیسای واقعی در گذشته. بنابراین، ظهور کلیسای واقعی از روزهای ما در نبوت کتاب مقدس اشاره شده است. کلیسایی که امروزه ویژگی های آن را دارد درست است، و ظهور آن به عنوان تحقق پیشگویی کتاب مقدس، کلیسای واقعی است. این است کلیسای واقعی آخرین خواهد بود اگر با داشتن ویژگی های واقعی امروز، آنها را تا پایان حفظ کند. بازگشت عیسی به عبارت دیگر، در دست گرفتن شمعدان کلام الله مجید، ایمان، اطاعت و انتشار کلام.

قبل از شروع خواندن، آخرین سخنرانی را برای شما باقی می‌گذاریم: در مورد هدف پایه گذاری ایمان محققین صادق این حقیقت که کلیسای واقعی امروز به عنوان تحقق این حقیقت پدید آمد پیشگویی‌ها، لازم است عناصری فراهم شود که امکان تأیید حقایق ذکر شده را فراهم کند. O کتاب لوقا، که به عنوان انجیل برای غیریهودیان شناخته می‌شود، از این تعلیم پیروی می‌کند، همانطور که خود نویسنده در ابتدا خاطرنشان می‌کند: «بنابراین، بسیاری متعهد شدند که روایت داستان را سامان دهند. حقایقی که در میان ما محقق شد، همانطور که توسط کسانی که از آن زمان شاهد آنها بودند به ما منتقل شدند در آغاز، و وزیران کلمه بودند، همچنین به نظرم راحت آمد که آنها را برای شما توصیف کنم، ای تئوفیلوس عالی، به دستور شما، که قبلاً همه چیز را به تفصیل به من اطلاع داده اید اصل؛ تا یقین چیزهایی را که قبلاً بدان آگاه شده‌ای، بدانی.» (لوقا 1:4) این شناخته شده است در حالی که پذیرش اشتباهات نسل‌های گذشته برای عموم آسان است آشکار شدن قهرمانان آن در زمان حال همیشه باعث بحث و جدل می‌شود. و به نظر نمی‌رسد راهی برای کسانی که این کار را انجام می‌دهند وجود دارد تا از تلقیناتی که انگیزه اعمالشان است فرار کنند به دلایل اختلافات شخصی با این حال، زمانی که نیروی محرکه در پشت عمل، میل به انجام است روشن ساختن و تثبیت ایمان مخلصان، عواقب آن به خدا واگذار می‌شود خدمتگزاران شجاع نسل‌های گذشته در تاریخ مقدسی که رسولان و انبیا ثبت کرده‌اند، آشکار است که خداوند از شهرت مردان پیش از این، او خطاها، حتی مقدس‌ترین آنها را، هرگاه آنها را به عنوان یک خطا می‌دید، به تصویر می‌کشید هدف از هشدار دادن و هشدار دادن به نسل‌های آینده در مورد خطراتی است که مسیر را احاطه کرده است رستگاری موسی، در نسل خود، گناهان قوم اسرائیل را یادآوری کرد، در حالی که بسیار او را به حدی برانگیخت که اعصاب خود را از دست داد و به صخره برخورد کرد، در حالی که خدا به او گفته بود که صحبت کند. به او گفت: «خداوند به خاطر سخنان تو بر من خشمگین شد و سوگند یاد کرد که نخواهم کرد. از اردن می‌گذشت و به سرزمین نیکویی که یهوه خدایت به تو خواهد داد وارد نخواهی شد» (تثنیه. 4:21) در آن زمان، بنی اسرائیل مردان روحانی بودند و یاد گرفته بودند که به آنها اعتماد کنند مویسس. آنها او را سرزنش نکردند که گناه خود را در کتاب تثنیه ثبت کرد و آن را به همان شکل باقی گذاشت شهادت برای ما هارون و مریم برادران موسی نیز او را به خاطر این کار سرزنش نکردند حتی در رابطه با اشتباهات او (به اعداد 12 مراجعه کنید). آنها از گناه و شادی خود توبه کردند صلح با خدا برایشان کافی بود. اگر ثبت اشتباهات شما به دیگران کمک می‌کند، باز هم کمک می‌کردند خوشحالم اگر این به نوعی به نجات هموعانشان کمک کرد. «و موسی نوشت این شریعت را به کاهنان، پسران لوی که تابوت عهد خداوند را حمل می‌کردند، و به همه داد. بزرگان اسرائیل و موسی به آنها امر کرد و گفت: در پایان هر هفت سال در آن زمان در سال رهایی، در عید خیمه‌ها، زمانی که تمامی اسرائیل ظاهر خواهند شد، تعیین شده است در حضور یهوه، خدای خود، در مکانی که او انتخاب می‌کند، این شریعت را در حضور تمامی اسرائیل برای ایشان بخوان گوش‌ها. مردم را جمع کنید، زن و مرد، بچه‌ها و خارجی‌هایی که در داخل هستند از دروازه‌های شما تا بشنوند و بیاموزند و از خداوند خدای شما بترسند و از آن برحذر باشید تمام سخنان این شریعت را انجام دهید» (تثنیه. 12-9:31 همان اصل که در گزارش تاریخ از

خطاهای قوم خدا، در تنبیه، امروز نیز معتبر است و بر آن استوار است
مکاشفه های تاریخ کلیسای پست مدرن که در این کتاب ثبت شده است.

فصل 1

یک، و تنها یک، کلیسای واقعی

هنگامی که به کلیسا در مأموریت خود اشاره می کند، کتاب مقدس همیشه این کار را به صورت مفرد انجام می دهد. عیسی اشاره کرد
به کلیسای خود به عنوان یک گله مجرد: «من هنوز گوسفندان دیگری دارم که از این گله نیستند.
برای من نیز شایسته است که اینها را جمع کنم و صدای مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهد بود.»
(یوحنا 10:16) خداوند «همه چیز را زیر پای خود قرار داد و او را بر همه چیز قرار داد
رئیس کلیسا، که بدن اوست... به طوری که اکنون، از طریق کلیسا، حکمت چندگانه خدا
شناخته شود» (افس. 1:22، 23؛ 3:10) خداوند مجموعه ای از فرقه ها را نمی شناسد
با عقیده ناسازگارش، مانند بدن مسیح. زیرا می گوید که "یک ایمان، یک تعمیم وجود دارد"
(افس. 4:5) این مجموعه واحدی از آموزه‌ها است که زیربنای ایمان واقعی است - همانطور که توضیح می‌دهد: «شما از...
خانواده خدا؛ ساخته شده بر اساس رسولان و انبیا، که عیسی مسیح است
سنگ بنای اصلی» (افس. 2:19-20) به عبارت دیگر، در کلیسای واقعی، آنچه که رسولان و
پیامبران تدریس کردند جایی برای سنت ها و تفاسیر متعدد کتاب مقدس وجود ندارد
در تضاد با جوهر آموزه های آنها، تبدیل به جزمات کلیسا. فقط یک کلیسا وجود دارد
درست است، و دارای یک آموزه واحد است - تنها بر اساس آنچه که رسولان و پیامبران است
نوشت، همانطور که در کتاب مقدس مشاهده می شود.

فصل 2

ویژگی های متمایز کلیسای واقعی

رعایت سبت به عنوان روز استراحت

اولین کلیسا در روز ششم خلقت تأسیس شد. کامل و بی گناه، آدم
(به معنای مرد) و حوا، همسرش، نعمتی را که خداوند در روز شنبه اول داده بود دریافت کردند:

«در ابتدا خدا آسمان و زمین را آفرید... و خدا گفت: انسان را به صورت خود بسازیم.

به تشبیه ما... و خداوند آنها را برکت داد و خداوند به آنها فرمود: بارور شوید و زیاد شوید.

و زمین را پرکن... و خدا هر چه ساخته بود دید و اینک بسیار خوب بود. و بعد از ظهر بود و

صبح روز ششم...

و چون خدا در روز هفتم کاری را که انجام داده بود به پایان رساند، در روز هفتم از همه آرام گرفت

کارش را که انجام داده بود. و خدا روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد. زیرا در او آرام گرفت

تمام کارهای او را که خدا آفریده و ساخته بود. اینها مبدأ آسمانها و زمین هستند، در زمانی که بودند

خدمتکاران." ژنرال 4-2:2، 26، 28، 31؛ 1:1

آدم و حوا اولین سبت خود را با پیروی از آنچه خدا انجام داد، نگه داشتند. «چون در یک معین

مکان در مورد روز هفتم چنین گفت: و خدا در روز هفتم از تمام کارهای خود استراحت کرد... زیرا

هر که در آرامش او وارد شده، خود از اعمال خود آرام گرفته است، چنانکه خدا از او.» (عبری

4:4، 10).

از آن روز، قبل از وقوع گناه، سبت به یادگاری بین خدا و او تبدیل شد

مردم. حدود 2500 سال بعد، خدا شریعت را به موسی داد که با انگشت او بر روی الواح نوشته شده بود.

سنگ، و علت قرار گرفتن روز شنبه را با اشاره به خلقت بیان کرد:

«روز سبت را به یاد آورید تا آن را مقدس نگه دارید... زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین را آفرید.

دریا و هر چه در آن است، و در روز هفتم استراحت کرد. بنابراین خداوند روز سبت را برکت داد و آن را تقدیس کرد.» (معاذل. 11-8:20)

بنابراین، اولین کلیسا، متشکل از تنها ساکنان سیاره، جفت مقدس، پرستش شد.

خالق در روز شنبه از ابتدا، رعایت روز هفتم هفته به عنوان

تقدیم به خداوند نشانه ای متمایز از پرستش واقعی خدا بود - و در نتیجه

کلیسای واقعی قبل از اینکه به سینا برسند، جایی که خدا شریعت را به موسی می رساند، او آن را اجرا کرد

معجزه ماننا، آن را دو برابر در روز جمعه عطا می کند تا مردم در روز آن را درو نکنند

مقدس در مواجهه با اصرار مردم برای آمدن به نزد او در روز سبت، خداوند پاسخ داد: «تا کی از اجرای احکام و احکام من امتناع خواهی کرد؟... پس

مردم در روز هفتم استراحت کردند.

(16:28) آنچه اتفاق افتاد نشان می دهد که بنی اسرائیل وظیفه خود را برای نگه داشتن سبت حتی از قبل می دانستند

از اعلام احکام. آنها به موسی نادانی نکردند. بلکه به سادگی

تصحیح کردند، چون می دانستند اشتباه کرده اند. موسی هنگام نوشتن کتاب پیدایش، آن را ثبت کرد

شهادت خدا در مورد جدش ابراهیم: «اوامر و احکام مرا نگاه داشت،

فرائض و قوانین من» (پیدایش 26:5) که نشان می دهد که آموزش روز از

باقی مانده. و او نیز به نوبه خود آن را از پدر و مادر خود دریافت کرد، به نسل های قبل، از آدم شروع شد.

با دستور و مثال، تعلیم روز سبت از آدم به کسانی منتقل شد

رشته طلایی خدا روی زمین را تشکیل داد. و خداوند به موسی دستور داد که آن را ثبت کند

این مراسم همیشه نشانه ای بین او و قومش خواهد بود، به عنوان یادگاری از کار آفرینش او.

نمونه ای از استراحت و تجدید روحی: «بنی اسرائیل روز سبت را پاس خواهند داشت. روز سبت را در طول نسلهای خود با عهد همیشگی جشن می گیرند. بین من و بنی اسرائیل خواهد بود نشانه ای برای همیشه؛ زیرا خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت و شاداب شد» (خروج 31: 15-17 توسط اشعیا نبی، مطمئن شد که نخواهد بود فقط برای بنی اسرائیل، بلکه برای تمام بشریت: «و به فرزندان بیگانگان که نزد خداوند بیایید تا او را خدمت کنید و نام خداوند را دوست بدارید و بدین ترتیب باشید بندگان تو، همه کسانی که سبت را نگه می دارند و آن را بی حرمت نمی کنند، و هر که مرا بپذیرد کنسرت، آنها را نیز به کوه مقدس خواهیم برد و در خانه نماز جشنشان خواهیم گرفت... زیرا خانه من خانه دعا برای همه مردم نامیده خواهد شد» (اشعیا 56: 6، 7). همچنین تضمین می کند که روز سبت را مقدسین تا ابد برگزار خواهند کرد: «زیرا مانند آسمانهای جدید و خداوند می گوید، سرزمین جدیدی که خواهیم ساخت، پیش روی من خواهد بود، شما نیز چنین خواهد بود آیندگان و نام شما و آیا این چنین خواهد بود، از یک جشنواره ماه نو به بعد و از یکی یَهُوَه می گوید شنبه تا روز بعد، همه انسانها برای پرستش در حضور من خواهند آمد.» (اشعیا 66: 22، 23) بنابراین، رعایت روز سبت قطعاً یکی از ویژگی های متمایز آن است کلیسای واقعی، در همه اعصار.

اطاعت از احکام

اعتقاد بر این است که آدم در حدود سال 4000 قبل از میلاد خلق شد. شنبه. موسی حدود 2500 سال بعد، حدود 1450 قبل از میلاد، این قانون را دریافت کرد. از این رو روشن است که سبت خیلی قبل از قانون مکتوب وضع شده بود. سبت قبل از سقوط انسان برقرار شد. طبق کتاب مقدس، قانون باید وجود داشته باشد "به دلیل تخلفات" اعلام شد (غلاطیان 3: 19) که ما را به این نتیجه می رساند که اگر انسان گناه نکرده بود، هرگز لازم نبود که احکام شریعت را به شکلی ارائه کند نوشتن قبل از گناه، اطاعت داوطلبانه از جانب انسان از خدا وجود داشت؛ تزیین. زیرا از طریق رعایت کامل روز سبت، ارتباط انسان با خالق خود بود حفظ شد، شناخت شخصیت او عمیق تر شد، جذب عشق او کامل بود، و انسان وفادار ماند از این رو هدف سبت دیده می شود و این قسمت بهتر درک می شود: «The شنبه برای انسان ساخته شد» (مرقس 2: 27) پس از گناه، مردان به تدریج از انجام سبت خودداری کردند. این واقعیت است ضمناً در لحن پیام فرمان: "روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید". 20: 8 حتی اسرائیل، مردمی که به عنوان مخزن نور آسمان انتخاب شده بودند، او را رها کرده بودند. طرح خدا این بود که سبت «تقدس» شود (خروج 20: 8) کلمه "تقدس" به معنای مقدس ساختن در ارتباط با شنبه، نشان دهنده نیاز به جدا کردن آن برای مقدس - برای تماس مستقیم با خدا، از طریق عبادت، اشتراک از طریق دعا و مطالعه

کتاب مقدس، و کمک به رنج. از آنجا که پس از گناه، ارتباط بین خدا و انسان است ساخته شده از طریق مسیح ("هیچ کس نزد پدر نمی آید مگر به وسیله من" - یوحنا، 14:6 نتیجه گرفته می شود که سبت این روز برای تماس با مسیح است. اگر این فرمان اطاعت می شد، مردان نیز عمل می کردند نزدیک شدن به ناجی به جای دور شدن. حتی یک بت پرست وجود نخواهد داشت. و برای ارتباط با مسیح تغییر خواهد کرد. از این رو می توان دریافت که سبت یک ابزار مورد استفاده است توسط او تا مردم را با خود و با خدا آشتی دهد. به عبارت دیگر، وسیله ای برای کمک به شما معرفی مجدد به وفاداری و اطاعت از شریعت او.

هنگامی که روز سبت فراموش شد، مردان به جایی رفتند که لازم بود تأکید بر شریعت به شکل مکتوب آن، در زمان موسی. پولس می گوید که «به این دلیل داده شد از گناهان» (غلاطیان، 3:19) تا مردم نیز گناهکاری رفتار خود را ببینند. به عنوان نیاز او به یک نجات دهنده.

ما مسیر پاییز را ارائه می دهیم. در روند آشتی انسان با خدا، او باید برعکس عمل کند. از طریق ایمان به مسیح، قلب انسان توبه می کند و مؤمن تجدید می شود. «پس اگر کسی در مسیح است، مخلوق جدیدی است: چیزهای کهنه قبلاً وجود دارد گذشتند؛ اینک همه چیز جدید شده است» (دوم قرنتیان، 5:17) با قدرت مسیح مرتبط با اراده انسان، زندگی با اطاعت از احکام آغاز می شود. "با ایمان ... ما قانون را برقرار می کنیم" در قلب مؤمن (روم، 3:31) این وفای به عهد جدید است. او می گوید: "اینک روزها خواهند آمد پروردگارا، که در آن... عهد جدیدی می بندم... زیرا این عهدی است که بعد از آن هاست خداوند می گوید: روزها، با خاندان اسرائیل رفتار خواهیم کرد، قوانین خود را در فهم و درک ایشان قرار خواهیم داد. آنها را با قلبم خواهم نوشت. و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود» (عبرانیان، 10:8-8 از این رو، یکی از ویژگی های بارز قوم خدا، حفظ اوامر اوست.

ایمان عیسی

عیسی گفت: "بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید" (یوحنا، 15:5) قانون مستلزم اطاعت است. اما این انسان از خود نمی تواند بدهد. اما با کمک مسیح همه چیز ممکن است. به او داده شد «تمام قدرت در آسمان و روی زمین» (متی، 28:18) و او ما را دعوت می کند: «قدرت من را بگیر و با من صلح کن» (اشعیا، 27:5) پولس گفت: "من می توانم همه چیز را به وسیله او که مرا تقویت می کند انجام دهم." مرد درمانده، با تشخیص ضعف خود، که به عیسی تکیه می کند، همیشه از خدا اطاعت خواهد کرد. در این در خط، مؤمنان واقعی می توانند بگویند: «من با کمال میل به خود می بالم نقاط ضعف، تا قدرت مسیح در درون من ساکن شود. بنابراین من از ضعف ها لذت می برم، در توهین، در نیازها، در آزار و اذیت، در مصائب، به خاطر عشق مسیح. چرا وقتی من ضعیف هستم، پس قوی هستم» (دوم قرنتیان، 10، 9، 12)

ریسمانی که انسان را به مسیح می بندد ایمان است. توسط انسان بافته نشده است. "شما نجات یافته اید از طریق ایمان؛ و این از تو نمی آید؛ این یک هدیه از جانب خداوند است. از کارها بر نمی آید تا کسی نتواند فخر کند." (افسیسیان 2: 8، 9) ایمان خریدنی نیست. این پاسخی است که ما به جاذبه ای که مسیح بر ما اعمال می کند می دهیم. در قربانی بی پایان صلیب، او تمام عیبها و خطاهای من را برداشت. مصلوب در او، من نمایندگی شد. مرگی که اشتباهاتم برایم به ارمغان آورد ("مزد گناه مرگ است") او پرداخت، و به من زندگی بخشید (هدیه رایگان زندگی جاودانی است، از طریق مسیح عیسی - روم. 6:23). همه این چون او مرا دوست داشت و «ببخشید به خاطر تمام نفعهایی که به من کرده است، چه خواهم داد؟ من جام نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند» (مزمور 13، 12:116 با خوشحالی من فیض و رحمتی را که به من ارائه شده است می پذیرم و به عنوان تنها خود به مسیح می چسبم تضمین برای به دست آوردن جایی در بهشت.

ایمان "به وجود می آید؛ خداوند آن را در قلب ما قرار داده است. ما نمی دانیم که او چگونه این کار را انجام می دهد و نیازی هم نداریم دانستن. «باد هر جا که بخواهد می وزد، و صدایش را می شنوید، اما نمی دانید از کجا می آید و به کجا می رود. هر که از روح متولد شود نیز چنین است» (یوحنا 3: 8). روح خدا همیشه در کار است وجدان ما یا به بیان مجازی، او «در قلب ما عمل می کند» ما را تحت تأثیر عشق مسیح که در انجیل مکشوف شده است، که شامل بشارت می شود، می کند از رستگاری و فیض او. اگر در مقابل این اقدام قدرتمند مقاومت نکنیم، گیاه ایمان در درون ما متولد می شود.

"زیرا محبت مسیح ما را وادار می کند" (دوم قرنتیان 5:14)

از طریق این ایمان، که نتیجه عملیات الهی خداوند در ماست، ما مطمئن هستیم که از طریق کمک مسیح بر همه وسوسه ها غلبه کرده و از او اطاعت خواهیم کرد دستورات هیچ چیز آن را متوقف نخواهد کرد. او گفت: «گوسفندان من صدای مرا می شنوند و من می دانم و آنها از من پیروی می کنند و من به آنها زندگی جاودانی می دهم و هرگز هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دستان من» (یوحنا 10:27، 28)

ایمان واقعی در عیسی مسیح در طول زیارت او در این زمین آشکار شد. همه کسانی که این هدیه را دریافت می کنند به سادگی زندگی استاد و ناجی را بازتولید خواهند کرد به تنهایی پولس رسول در راستای مطالب فوق چنین گفت: «زندگی که اکنون در آن زندگی می کنم جسم من با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم» (غلاطیان 3:20). ایمان واقعی ایمان عیسی است. ایمان عیسی، هدیه ای از جانب خدا، یک عنصر اساسی است که همیشه در کلیسای واقعی وجود دارد.

زیرا «بدون ایمان، رضایت او محال است» (عبرانیان 11:5) و کلیسای خدا کاری را انجام می دهد که او را خشنود می کند. ولی کتاب مقدس می گوید که وقتی «احکام او را نگاه می داریم... کاری را انجام می دهیم که در نظر او پسندیده است».

بینایی» (اول یوحنا 3:22) بنابراین، با ایمان، کلیسا احکام را حفظ می کند. از این رو متن مکاشفه، در جایی که فرشته می فرماید: «همانا صبر اولیاء الله؛ در اینجا کسانی هستند که احکام را حفظ می کنند از خدا و ایمان عیسی». (Apoc. 14:12) کلیسای واقعی این ویژگی را دارد: «حفظ احکام خدا و ایمان عیسی».

آخرین کتاب کتاب مقدس هنوز اعلام می کند که کلیسای روزهای آخر، به یک کاهش یافته است باقیمانده وفادار پس از چندین تلفات که در آزمایش های سختی که پشت سر گذاشت، نوری خواهد داشت. ویژه پیشگویی ها «اژدها عصبانی شد... و رفت تا با بقیه ذریه خود جنگ کند، آنهایی که آنها احکام خدا را ننگ می دارند و شهادت عیسی را دارند.» «شهادت عیسی همان است روح نبوت» (مکاشفه. 19:10؛ 12:17) از این رو می توان دریافت که تا آخر زمان عطای نبوت است در کلیسای واقعی آشکار خواهد شد. این بدان معناست که معنای آن را به جهان عرضه خواهد کرد پیشگویی هایی از کتاب های دانیال و مکاشفه. در مورد دانیال آمده است: «این سخنان را ببند و این را مهر کن کتاب» (دان. 12:4) در مکاشفه این کتاب باز می شود: «و دیدم در دست راست او نشسته است تاج و تخت کتابی نوشته شده از درون و بیرون و مهر شده با هفت مهر... و من نگاه کردم و اینک... بره... و آمد و کتاب را گرفت... و... بر بره سجده کردند... گفتند: تو شایسته ای که... مهرها» (مکاشفه. 9-1: 5) در مکاشفه، پیشگویی های دانیال آشکار می شود. این را می توان در حال حاضر در مقدمه کتاب: «مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا نشان دهد...» (Apoc. 1:1) همین آیه اشاره می کند که گروهی از برگزیدگان در زمین هستند که نور بر آنها نازل می شود: «خدا او را عطا کرد تا چیزهایی را که باید به زودی اتفاق بیفتد به بندگان نشان دهد.» بنابراین، کلیسای واقعی روزهای آخر تنها کلیسایی است که بهشت مجاز به دریافت آن کرده است بنابراین تمام نور درک کتاب های دانیال و مکاشفه را به جهان عرضه کنید. بنابراین، یکی از ویژگی های کلیسای واقعی داشتن و انتشار درک پیشگویی ها است از کتابهای دانیال و مکاشفه.

گروههای مختلفی وجود دارد، که هر کدام دارای نور کمی هستند. اما برای کلیسا است یکی برگزیده که خداوند تمام نوری را که برای این نسل از بشریت مقدر شده است می دهد. ارتباط وجود دارد ثابت بین بهشت و این کلیسا، از طریق فرشتگان. این حقیقت قرن ها پیشگویی شده بود گذشته: «پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران شما رویاهای شما را خواهند دید جوانان چشم اندازهایی خواهند دید. و همچنین بر بندگان و کنیزان در آن روزها، من را خواهم ریخت روح» (یوئیل. 2:28، 29) این وعده از نظر بسیاری هنوز محقق نشده است آینده. با این حال، این امتیاز کلیسای واقعی است که آن را اکنون در تجربه خود برآورده کند.

خلاصه:

به طور خلاصه، کلیسای واقعی خدا با نگاهی از ده مشخص می شود احکام خدا، از جمله روز سبت؛ ایمان عیسی؛ و عطای نبوت - درک از پیشگویی های دانیال و مکاشفه، از جمله پیشگویی هایی که در تاریخ نسل گذشته محقق می شود بشریت، تا زمان بلافاصله قبل از آمدن دوم مسیح.

فصل 3

"نخ طلایی" در طول قرن ها

دست‌های مختلف در این مأموریت جانشین یکدیگر شدند تا شمعدانی را که حاوی نور حقیقت بود، به دست بگیرند از کلام که "چراغی برای پاها و نوری برای راه" انسان است (مزمور). (119:105 آنها آنها مسئول انتقال حقیقت الهی متناسب با زمان خود به جهانیان بودند. آنها یک "رشته طلایی" را در طول نسل ها تشکیل دادند. در آغاز، آدم دو پسر داشت. کافر از میان آنها (قابیل) هابیل عادل را کشت. O پسر بعدی آدم شیث بود که انوس از او متولد شد. «سپس شروع به فراخوانی نام کرد خداوند» (پیدایش. (4:26 از نسل او خونخ بود که پیامبر بود و «راه می‌رفت با خدا» (پیدایش. 5:24؛ یهودا. (1:14 وحی در مورد هلاکت به نوه بزرگ او، نوح، سپرده شد جهان توسط آبهای سیل (پیدایش. (17-13، 9، 8، 6: خداوند به او گفت: «با تو من را تثبیت خواهم کرد عهد» (پیدایش. (6:18 نوح سه پسر داشت: «سام، حام و یافث» (پیدایش. (5:32 ابراهیم متعلق به دهمین نسل از نوح، از دودمان سام، خداوند او را به عنوان امانت دار خود گرامی داشت به بشریت وعده می‌دهد و می‌گوید: «در تو همه خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت» (پیدایش. (3:12 درباره او آمده است: «ابراهیم صدای من را اطاعت کرد و فرمان مرا نگاه داشت احکام، احکام و قوانین من» (پیدایش. (5:26 کلیسای واقعی در طول زمان همیشه یکسان نبوده است. وقتی برگزیدگان این کار را نمی‌کنند آنها از والدین خود الگوبرداری کردند، دیگران مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفتند. ابراهیم اسحاق را به دنیا آورد عیسو و یعقوب به دنیا آمدند. طبق تعالیم الهی، اول زاده (پسر بزرگ) باید دریافت کند. میراث معنوی خانواده، تبدیل شدن به مخزن نور الهی برای دنیای آنلین پی در پی. اما عیسو، اگرچه اولین پسر بود، «حق اولیت خود را تحقیر کرد» (پیدایش. (34:25 بدین ترتیب، این برکت به یعقوب منتقل شد و بعدها نام خود را به اسرائیل تغییر داد (پیدایش. (28:32 سپس فرزندان او برای بسیاری از مردم امانت دار حقیقت شدند قرن ها

پس از سلطنت داوود، اسرائیل به دو پادشاهی تقسیم شد: پادشاهی جنوبی، که قبایل را گرد هم آورد. یهودا و بنیامین و یکی شمالی با ده قبیله دیگر (اول پادشاهان. (12 اندکی پس از تأسیس آن قبایل شمالی از خدا مرتد شدند و به پرستش «دو گوساله طلایی» روی آوردند. (اول پادشاهان. (28:12 علم خدا توسط پادشاهی جنوب حفظ شد. از آنجا که قبیله یهودا زیادتر بود، ارجاع به شهروندان پادشاهی جنوبی شروع شد نام «یهودیان»، فرقه‌ای که در طول قرن‌ها تا زمان تولد مسیح ادامه داشت.

سپس، "خداوند در زمانهای قدیم و به طرق مختلف با پدران سخن گفته است، از طریق انبیاء، سرانجام نور را شخصاً به کلیسای خود فرستاد، «از طریق پسر»، خداوند عیسی مسیح. (عبرانیان 1:11) اما مردم برگزیده نور را رد کردند. یهودیان او را «به دست ظالمان» مصلوب کردند. رومیان (اعمال رسولان 2:23) و «کلیسایی را که در اورشلیم بود، آزار دادند. و همه پراکنده شدند.» (اعمال رسولان 8:1) آنها نور را از قلمرو خود بیرون کردند و با کسانی که از آن در دل استقبال کردند - رفت کلیسای مسیحی که توسط حواریون مسیح شبانی شده است. مردمی که زمانی انتخاب شده بودند، دیگر کلیسا نبودند درست است، واقعی. دیگری به جای آن بزرگ شده بود. رسولان در شهادت این امر فرمودند خطاب به رهبران یهود: «عیسی مسیح ناصری... سنگی است که توسط شما، سازندگان، رد شد. که توسط سرگوشه قرار داده شد. و در هیچ کس دیگری نجات نیست» (اعمال رسولان 12-10: 4 در مثال کلیسای اولیه، متوجه می شویم که برگزیده خدا روی آن حساب نمی کرد بزرگترین گروه از اعضا، و نه از لطف حاکمان برخوردار بود. «جمعیت» کسانی که قبل از پنطیکاست که در اتاق بالا جمع شده بودند به «صد و بیست نفر» نمی رسید (اعمال رسولان 15:1) شما اعضا «آشغال این جهان» و «فضول همه» در نظر گرفته می شدند (اول قرنیتیان 4:13) با این حال علیرغم اهانتی که عموماً جهانیان به او می کردند، بهشت با وحی شرفیاب شد. از مشیت الهی بود و قبول و ثبت و اعلام نور بر عهده او بود. اگرچه کلیسای واقعی با سابقه ای بسیار بالا مورد توجه قرار گرفته است فصل های غم انگیز مربوط به آن را در دوره های متوالی ثبت می کند. به طور مکرر، پس از راه رفتن برای مدتی در اطاعت از نور دریافت شده، رهبران کلیسای منتخب به نقطه ای رسیدند نور خاصی که از آسمان فرستاده شده را رد کنید. آیا به این دلیل بود که خداوند آنها را نادیده گرفته بود و اول آن را به دیگران داده بود اعضای جماعت، یا صرفاً به این دلیل که حب دنیا آنها را تا حدی کور کرده بود. علاقه بیشتری به اطاعت از کلام الهی داشتند، نتیجه یکسان شد: نور را رد کردند. آنها رسولان را از اجتماع خود بیرون کردند، آنها را آزار دادند و کشتند (اگر این انتخاب آنها بود). مجاز). در نتیجه رد، یک روند گسست درونی بین کسانی که در آغوش گرفتند و دیگران نور را رد کردند و دو بلوک مشخص را تشکیل دادند. پس از آن، او بالغ شد جداسازی باز در نتیجه، دو کلیسا به وجود آمد: اولی که نور بهشت را رد کرد. اشکال دینی که توسط مردان دفاع و پشتیبانی می شود، زیرساخت های کلیسا و کنترل اکثریت مردم دومی که توسط کسانی که تحت تعقیب قرار گرفتند و برای تصمیم گیری کنار گذاشته شدند شکل گرفت اطاعت از نور الهی دریافتی، بدون امتیازات دنیوی و زیرساخت های اندک یا بدون. با این حال، پس از بهره مندی از نور بهشت، با نور بیشتری مورد توجه قرار گرفت و جدید شد ودیعه حقایق الهی متناسب با زمان خود. کلیسای آزار دهنده شد چشمان خدا، تنها یکی در میان بسیاری از جنبه های دینی معاصر. در حالی که که زن مورد آزار و اذیت توسط او برای ادامه "نخ طلایی" خود در کار هدایت او استفاده شد. دائماً بنندگان او را برسانید و حقیقت را مانند عیسی مسیح در طول نسل ها اعلام کنید.

در پرتو اصلی که در بالا آشکار شد، هر زمان که کلیسا مسیر ارتداد خود را آغاز کرد، خداوند از طریق انبیا، ظهور دیگری را اعلام کرد که اگر خود را اصلاح نمی کرد، جانشین او می شد. این واقعیت به ویژگی دیگری از کلیسای واقعی اشاره می کند که در فصل بعدی خواهیم دید.

فصل 4

کلیسای واقعی در پیشگویی کتاب مقدس

هنگامی که قوم برگزیده خدا به طور مداوم علیه اراده او شورش کردند،

او با پیروی از روش های خود، انتخاب دیگری را به جای او پیشگویی کرد. انتخاب شده از کار افتاد. جای او به دیگری داده شد.

زمانی که شائول با شورش علیه خود نشان داد که شایسته مقامش به عنوان پادشاه اسرائیل نیست به خواست خدا، سموئیل نبی فرستاده شد تا به او بگوید: «چون تو کلام خدا را رد کردی.

خداوند، خداوند تو را از پادشاهی اسرائیل طرد کرده است. و هنگامی که ساموئیل روی آورد

اگر رفتی لبه عبايت را می گیرد و پاره می کند. آنگاه سموئیل به او گفت: «خداوند دریده است

امروز پادشاهی اسرائیل از آن توست و آن را به همسایه خود بهتر از تو بخشیده است» (اول سم. 15:26-28).

بدین ترتیب آمدن پادشاه جدید اعلام شد. مدت کوتاهی بعد، خدا به سموئیل گفت که مسح کند

دیوید «خداوند به سموئیل گفت: «تا کی برای شائول متأسف خواهی بود، وقتی که من او را رد کردم تا

بر اسرائیل سلطنت نمی کند؟ ... تو را نزد یسی بیت لحمی می فرستم. چون من جزو فرزندان شما هستم پادشاهی فراهم کرد... سپس سموئیل ظرف روغن را گرفت و او را در میان برادرانش مسح کرد. این است،

از آن روز به بعد روح خداوند بر داود نازل شد» (اول سم. 16:1، 13).

در طول تاریخ کتاب مقدس دیده می شود که این شیوه رفتار خدا با قومش باقی مانده است

بدون تغییر او که دید قوم اسرائیل در شورش و ارتداد جبران ناپذیری غوطه ور شده اند، الهام کرد.

حزقیال سقوط خود و ظهور کلیسای مسیحی را از طریق خدمت مسیح پیشگویی کند. اینجاست

نبوت: «و تو ای شاهزاده بی شرم و بی شرف ایزاریل که روز تو در زمان شرارت شدید فرا خواهد رسید. خداوند یهوه چنین می گوید: تاج را بردارید و تاج را بلند کنید. این یکسان نخواهد بود. را تعالی می بخشد

متواضع و مغرور را فروتن می کند. آن طرف، واژگون، واژگون می گذارم، و دیگر نخواهد بود، تا

بگذار آن کسی که حق دارد بیاید و من آن را به او خواهم داد» (حزقی. 21:25-27).

و زمان ظهور کلیسای جدید، آغاز خدمت مسیح بود

به طور خاص در نبوت اشاره شده است. در دانیال 8:14 آمده است: «تا دو هزار و سیصد شب و

صبح، و حرم پاک خواهد شد.» در ابتدا، درست پس از اینکه پیامبر رؤیا را دریافت کرد، «وجود نداشت

هر که آن را فهمید» (8:27). اما اندکی بعد فرشته جبرئیل فرستاده شد و توضیح داد:

گفت: «هفتاد هفته بر قوم تو و شهر مقدس تو معین شده است... بدان و

می فهمد: از زمان صدور دستور بازسازی و بنای اورشلیم، تا زمانی که مسح شده، شاهزاده، هفت هفته ها و شصت و دو هفته» (دان. 24، 25: 9 دستور مرمت و بازسازی اورشلیم نقطه شروع برای شمارش زمان بود. به موجب این حکم محقق شد از اردشیر، در 457 ق.م. از آن زمان، شصت و نه هفته از سال - 62 + 7) بند، (25 یا 483 سال تا آمدن مسیح می گذشت. کلمه "مسح" اشاره روشنی به این است مسح مسیح با روح القدس، که در زمان تعمیر او رخ داد: «وقتی عیسی تعمیر یافت، او بلافاصله از آب بیرون آمد و اینک آسمان به روی او گشوده شد و روح خدا را دید که مانند کبوتری فرود آمد. و بر او می آید» (متی. 3:16) با شمارش 483 سال از 457 قبل از میلاد به سال 27 پس از میلاد می رسمیم که در آن سال مسیح روح را دریافت کرد و خدمت خود را آغاز کرد.

به دانیال گفته شد: «هفتاد هفته بر قوم و مقدس تو تعیین شده است شهر". آنها مربوط به دوره زمانی است که در آن اسرائیل همچنان مردم محسوب می شود انتخاب شده است. جمع آنها به 490 سال (70 هفته در 7 روز) می رسد. از 457 قبل از میلاد، آنها ما را به سال 34 بعد از میلاد می برند. در این سال، یهودیان استیفان، شماس کلیسای حواری را سنگسار کردند. سپس «در آن روز، الف آزار و اذیت شدید کلیسایی که در اورشلیم بود. و همه آنها در سراسر سرزمین پراکنده شدند یهودیه و سامره جز حواریون... اما پراکنده ها همه جا رفتند

کلام را اعلام می کند» (اعمال رسولان. 1، 4: 8 انجیل دیگر محدود به یهودیان نبود. زمان خود را به عنوان یک مردم انتخاب شده بود.

جانشین کلیسای یهود توسط رسولان شد. از آن زمان، هنگام خواندن وعده های داده شده به اسرائیل در عهد عتیق، خوانندگان باید در نظر بگیرند که به عنوان اعمال می شود نه به فرزندان خون از بنی اسرائیل، اما برای ایمانداران به انجیل. زیرا همانطور که پولس به آن الهام شد بنویس: «زیرا او یهودی نیست که ظاهراً یکی باشد و ختنه نشده است که ظاهراً یکی است. در گوشت اما او یک یهودی است که باطن است و ختنه آن چیزی است که در دل است و در روح است.» (روم. 2:28، 29) «زیرا همه اسرائیل بنی اسرائیل نیستند. و نه به این دلیل که آنها از نسل ابراهیم هستند همه فرزندان... یعنی فرزندان جسم نیستند که فرزندان خدا هستند، بلکه فرزندان موعود هستند به عنوان نسل شمرده می شوند» (رومیان. 8، 7: 9 به عبارت دیگر، کودکان کسانی هستند که به وعده های خود ایمان دارند خدا در عیسی مسیح ساخته شده است.

همچنین با پیشگویی بود که خدا تقسیم کلیسا را در قرن ها پیشگویی کرد زمان های بعدی، و ظهور یک کلیسا، در زمان آینده، با هدف بازسازی درست است، واقعی. با اشاره به ورود ارتداد هنوز در زمان کلیسای حواری، در نامه به اولین کلیسای آخرالزمان گفت: "اما من این را علیه شما دارم زیرا عشق اول خود را ترک کردید. پس به یاد بیاورید که از کجا افتاده اید و توبه کنید و کارهای اولیه را انجام دهید. وقتی نه، به زودی نزد تو خواهم آمد و شمعدان تو را از جایش برمی دارم، مگر اینکه توبه کنی» (مکاشفه 2: 4، 5: 2 پولس رسول اعلام کرد که پس از شهادت او (که در سال 66 بعد از میلاد اتفاق افتاد) ارتداد وارد کلیسا: "زیرا من این را می دانم که پس از رفتن من گرگ های وحشی در میان شما وارد خواهند شد. آنها گله را نخواهند بخشید. و از میان شما مردانی برمی خیزند که سخن خواهند گفت

شیربان، تا شاگردان را به دنبال خود بکشاند» (اعمال رسولان، 30، 29:20 در همان سخنرانی، گویی او که می‌خواست دلیل محرک ارتداد را نشان دهد، نگرش خود را برخلاف دیدگاه ارتداد ارائه کرد معلمان دروغین، که ادعا می‌شد پیروان او بودند، که ظاهر می‌شدند: «من به نقره هیچ‌کس و نه او طمع نداشتم. طلا و لباس» (اعمال رسولان، 20:33)

پولس توحید را تعلیم داد. او گفت، اعتقاد کلیسای رسولی به آن را اعلام کرد طهارت: «زیرا هر چند عده‌ای هم هستند که خود را خدا می‌خوانند، چه در بهشت و چه در زمین (همانطور که خدایان بسیار و اربابان بسیار هستند)، اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر» (اول قرنتیان، 6: 8) با این حال، اندکی پس از مرگ او، مردانی قیام کردند و اعتقاد به "تثلیث" را اعلام کردند منشاء، همانطور که در آن زمان شناخته شده بود، بدون شک بت پرستی بود. کلیسای کاتولیک، وارث این از جنبه، تمام آموزه‌های دیگر خود را بر تثلیث استوار می‌کند (منبع: Catholic Catechism) از این رو اگر می‌بیند که، اگرچه ادعا می‌کند که ادامه یا نزول مستقیم روحانی کلیسای رسولی است، او در واقع فرزندان جناح بدعت‌گذار است که توسط «گرگ‌ها و مردانی که آنها چیزهای انحرافی می‌گفتند تا شاگردان را به دنبال خود بکشاند.» (اعمال رسولان، 30، 29:20 آنها را که آنها تلاش کردند تا حقیقتی را که پولس رسول با الهام از خدا ساخته بود، نابود کنند. است در برخلاف سیره رسول، که طمع به نقره یا طلا یا لباس کسی نداشت.

رهبران آنقدر طلا، نقره و لباس‌های گران قیمت انباشتند، تا جایی که سخنان از مکاشفه در مورد این کلیسا: «لباس ارغوانی و قرمز بر تن داشت و به طلا و سنگهای قیمتی و مروارید و در دستش جامی طلایی پر از زشتی‌ها و پلیدی‌ها بود. از فحشا او» (مکاشفه، 17:4)

همانطور که در مکاشفه پیش‌بینی شد، شمعدان جناح بدعت‌گذار برداشته شد. اینگونه فهمیده می‌شود زیرا شمعدان همان چیزی است که نور را حمل می‌کند. و از نظر روحانی، کتاب مقدس "چراغی برای پاهای ماست... و نور برای راه من" (مزمور، 115:119 با رد حقیقت کلام (توحید - یک خدای پدر)، که توسط پولس تعلیم داده شد، و آن را با یک نظریه انسانی (تثلیث) جایگزین کردند آنها داوطلبانه شمعدان نور را از آغوش خود برداشتند و تاریکی را به روشنایی ترجیح دادند. و او رفت به جناح دیگری از کلیسا که به حقیقت وفادار ماند - که نماینده اقلیت بود و بود قرن‌ها به شدت مورد آزار و اذیت قرار گرفت.

در امتداد این خط، کلیساهای والدنسی‌ها در شمال ایتالیا، کلیسای دینگوالنآجر و آنجا، بقایای کلیسای رسولی وفادار. شما وجود در پیشگویی دومین کلیسای آخرالزمان، اسمیرنا، اشاره شد. کلمات نامه توهین‌هایی را که از سوی اعضای جناح بدعت‌گذار - اکثریت، و آزار و اذیت و آزار و اذیت دریافت کردند را به تصویر بکشید. خطراتی که آنها برای حفظ اعتقاد خود به حقیقت ناب با آن مواجه بودند. آنها در مال این دنیا فقیر بودند، اما سرشار از ایمان عیسی گفت: "من کارهای شما و مصیبت و فقر را می‌دانم (اما شما ثروتمند هستید) و توهین به کسانی که می‌گویند یهودی هستند و نیستند، بلکه کنیسه شیطان هستند. از هیچی نترس چیزهایی که رنج خواهید برد... تا مرگ وفادار باشید و من تاج حیات را به شما خواهم داد» (مکاشفه، 10، 9: 2)

کلیساهای وفادار در گمنامی باقی ماندند، اما به سختی توسط کلیساهای مبارزه شد
کلیسای کاتولیک، و بسیاری تسلیم شدند، تا زمانی که به نظر می رسید که نور به طور کامل از زمین خاموش می شود. نبوت
از کلیسای سوم مکاشفه این زمان را به تصویر می کشد. نوشتن به معنای وفادار باقی مانده، و
هشدار دادن به آنها از پذیرش آموزه های غیر کتاب مقدسی کاتولیک، مانند پرستش
بتها (تصاویر)، در میان دیگران، عیسی می گوید: «من کارهای شما را می دانم، و جایی که زندگی می کنید، همان جایی است
تخت شیطان، و تو به نام من چنگ زده ای و ایمان مرا انکار نکرده ای... اما چند چیز دارم
علیه شما، زیرا شما کسانی را دارید که از آموزه بلعام پیروی می کنند، کسی که به بالاک پرتاب کردن را آموخت
در برابر بنی اسرائیل سنگ لنگ می خورد تا قربانی های بت پرستی بخورند و
من مرتکب زنا شده بودم.» (Apoc. 2:13, 14)

در بحبوحه نبوت، عیسی اعلام می کند که زمانی نزدیک می شود که او با آن مبارزه خواهد کرد
خطاهای کلیسای کاتولیک: "من با شمشیر دهان خود با آنها خواهم جنگید" (Apoc. 2:16)
در آن زمان بود که خدا، حتی از درون کلیسای مسلط، بندگان وفاداری را برانگیخت که تصمیم گرفتند
تعالیم و سنت های مردانه را بشکنند و با هدف اصلاح قانون اعتراض کنند
کلیسا نام اصلی این اثر بدون شک مارتین لوتر راهب آلمانی است که
با تمام خشم سلسله مراتب روم در دفاع از حقیقت روبرو شد: "عادل با ایمان زندگی خواهد کرد" و نه
با اعمال توبه یا خرید اغماض همانطور که کلیسا در آن زمان تعلیم داد (رومیان O. 1:17).
نقطه عطف اصلاحات در سال 1517 بعد از میلاد است. بنابراین اشتباهات کلیسا به شدت بود
با شمشیر کلام خدا (عبرانیان 4:12) که توسط لوتر ماهرانه به کار گرفته شد و بسیاری
با اتخاذ این اصل، خود را از بسیاری از خرافات و آداب اقتدار صرفاً انسانی رها کردند
"sola scriptura" پروتستانی (کتاب مقدس و آن به تنهایی به عنوان یک قانون ایمان و عمل). در پی
پروتستانتیسم، بندگان خدا، در نسل های مختلف، برای احیای حقایق تلاش کردند،
همانطور که آنها کتاب مقدس را مطالعه کردند و خطاهای کاتولیک را شناسایی کردند. چندین
از آن زمان فرقه هایی پدید آمدند که همه آنها تحت عنوان عمومی گروه بندی می شوند
پروتستان ها با توجه به لحن «اعتراض» به اشتباهات غالب پیام هایشان. ذکر شده است
برخی از نامها: "لوتری، آناپتیست، بپتیست، متدیست، در میان دیگران".
با وجود تلاش های انجام شده، کلیسای مسلط در برابر تمام تلاش های انجام شده مقاومت کرد
آن را اصلاح کرد و در خطاهایش ماند. این را عیسی با استفاده از
مقایسه مجازی کلیسا با ایزابل، همسر پادشاه باستانی اسرائیل، آخاب، که در آن زمان،
در عین حال فاحشه ملکه و بعل پرست، خطاب به بندگانش فرمود: دارم
بر ضد تو هنگامی که ایزابل را تحمل کنی، زنی که خود را نبی می خواند و بندگان من را تعلیم می دهد و فریب می دهد.
فحشا کنند و قربانی های بت پرستی بخورند.» (Apoc. 2:20)

سپس به مدت طولانی که او از طریق بردباری از برتری برخوردار بود، اشاره می کند
الهی: «به آنها مهلت دادم تا از فحشا توبه کنند. و توبه نکرد.» (Apoc. 2:21).
(2:21) بر اساس تاریخ، روم از سال 538 پس از میلاد به مدت 1260 سال سلطنت کرد که طی فرمانی
امپراتور ژوستینیان اسقف رم را تا سال 1798 میلادی به عنوان رئیس کلیسا منصوب کرد.

ژنرال برتیه، از نیروهای ناپلئون بناپارت، پاپ پیوس چهارم را زندانی کرد که در تبعید عیسی نیز سقوط او را پیش‌بینی کرده بود: «اینک او را بر تخت خواهم گذاشت و بر کسانی که با او زنا کن، مصیبت بزرگی خواهد آمد، مگر اینکه از کردار خود توبه کنند. و من تا سر حد مرگ خواهم کشت به فرزندان خود، و همه کلیساها خواهند دانست که من کسی هستم که ذهن‌ها و قلب‌ها را جستجو می‌کنم. و به هر یک از شما برحسب اعمالش خواهم داد» (مکاشفه، 2:23)

سپس عیسی به کلیسای پروتستان وفادار خود که در آن زمان به دنبال رهایی خود بود، می‌پردازد از اشتباهات و سنت‌هایی که توسط کلیسای کاتولیک تدریس می‌شود، می‌گوید: «اما من به شما و به بقیه می‌گویم ... کسانی که این آموزه را ندارند... آنچه را که دارید، محکم بگیرید تا من بیایم» (مکاشفه، 2:25)

اگرچه پروتستان‌ها برای برخی از نخ‌طلایی خدا بر روی زمین پیروی کرده‌اند آنها کار خوبی را که شروع کرده بودند متوقف کردند. شکست بزرگ اصلاحات متوقف شد اصلاح اگر به جلو حرکت می‌کردند، چندین اشتباه را کنار می‌گذاشتند، مانند اعتقاد به تثلیث، ریشه ارتداد در زمان کلیسای حواری، از جمله.

با اشاره به تمایل اولیه پروتستان‌ها به تحقیق در کتاب مقدس و اطاعت از آنها و سادگی ایمانش عیسی گفته بود: «هرچه دارید، نگه دارید تا من بیایم» (Apoc. 2:25)

اما نسل‌هایی که جانشین مصلحان اول شدند به این توصیه توجه نکردند. درست است که در آن سقوط پاپ، و همراه با آن توقف آزار و شکنجه، کلیسای زمانی پاک مشاهده شد. او تنزل یافت و اعمال دنیوی را جذب کرد. توصیه عیسی این بود که وفاداری خود را حفظ کنید «تا من می‌آیم» (مکاشفه، 2:25) این کلمات نشانگر ماهیت پیامی است که در جهان مسیحیت موعظه می‌شود: خبر بازگشت به زودی مسیح به زمین برای جستجوی مردمش و بدکاران را قضاوت کن اما، غافل از اینکه کلیسای واقعی آن زمان خود را ناتوان می‌دید نور را ببین. عیسی با اشاره به وضعیت خود در آن زمان، در نامه‌ای به کلیسای پنجم مسیح گفت مکاشفه: «به فرشته کلیسایی که در ساردیس است بنویس: ... من کارهای تو را می‌دانم که نام تو را داری. که زنده‌ای و مرده‌ای هشیار باشی و بقیه را که در شرف مرگ بودند تأیید کنید، زیرا من فکر نمی‌کردم کارهای شما در پیشگاه خداوند کامل می‌شود. پس آنچه دریافت و شنیده‌اید به خاطر بسپارید و آن را نگه دارید و توبه کردن. و اگر مراقب نباشی، مثل دزد بر تو خواهم آمد و نمی‌دانی چه ساعتی بر توست من خواهم آمد» (مکاشفه، 3: 1-3)

برای کلیسایی که خود را در وضعیت معنوی ساردیس می‌بیند، امیدی نیست. چون از نظر روحی مرده است. عیسی گفت: «مثل دزد بر تو خواهم آمد»، یعنی حقیقت او بدون اینکه او انتظاری داشته باشد، ناگهان نزد او می‌آید، «و تو نمی‌دانی در چه ساعتی به نزد تو خواهم آمد». به کلیساهای پروتستان زمان بازدید خود را نمی‌دانند. کلیسای ادعایی خدا نماینده در سارد آمده بود که نور بهشت را نشانسد و آن را رد کند اعضا روی چیزهای معنوی متمرکز نبودند. در این شرایط مطمئناً جایگزین می‌شود برای دیگری. و این همان اتفاقی است که تاریخ نبوی نشان می‌دهد.

در اواسط دهه 1820 یکی از اعضای کلیسای باپتیست، ویلیام میلر آمریکایی، با مطالعه پیشگویی دانیال 8:14 دریافت که تحقق آن به سال 1844 اشاره دارد.

در سطرهای کوتاه آمده است: «تا دو هزار و سیصد شب و صبح و حرم مطهر می‌اشود».

آغاز شمارش زمان با فرمان اردشیر در سال 457 قبل از میلاد صورت گرفت، همانطور که در

مقدار کمی. از آن زمان تاکنون 2300 سال می‌گذرد که در سال 1844 به پایان می‌رسد. با در نظر گرفتن این اعتقاد

عقیده عمومی در آن زمان (اگرچه بدون مبنای کتاب مقدس) مبنی بر اینکه زمین پناهگاه خداست، او به

نتیجه‌گیری اینکه مسیح باید برای بار دوم در این مناسبت بازگردد تا زمین را پاک کند و

به دنبال مردم خود باشید با توجه به نوری که در آن زمان وجود داشت، هیچ کس نتوانست نور او را رد کند

تعالیم و پیام ظهور مسیح بر جهان غلبه کرد. مسیحیت، به ویژه در

ایالات متحده، مرکز موعظه، به دو طبقه تقسیم شد: یکی برای پیام ظهور.

و دیگری در مخالفت با همان.

حرکت حاملگی یک کلیسای واقعی جدید، به تبعیت از نمونه، تکرار می‌شد

که در قرون گذشته رخ داده است. اولاً یک گسست داخلی بین جناح‌ها وجود داشت،

و همه در فرقه‌های خود باقی ماندند. سپس به بلوغ رسید

تقسیم مشهود، با ایمانداران ظهور یا حذف یا قطع ارتباط

به طور داوطلبانه، بر حسب مورد، متحد شدن در یک مردم عجیب و غریب، که نام مستعار را به دست آوردند.

"آدونتیست‌ها".

اگرچه آدونتیست‌ها صادقانه بودند، اما با گذشت زمان به شدت ناامید شدند

در نبوت (22 اکتبر 1844) اشاره شد و عیسی برنگشت. تفسیر زمان

تحقق نبوت دست نیافتنی بود. با این حال، آنها در واقعه‌ای که باید محقق شود، اشتباه کردند، چیزی که

فقط بعداً فهمیدم طبق کتاب مقدس، کلمه "مقدس" به این سیاره اشاره نمی‌کند

زمین، بلکه به ساختمانی که مسیح از طرف ما در بهشت خدمت می‌کند. پولس گفت که عیسی «هست

نشسته در آسمان در دست راست تخت اعظم، جایی که او به عنوان «وزیر حرم» و

از خیمه حقیقی که خداوند آن را بنیان نهاد، نه انسان» (عبرانیان 1، 2: 8 به محض ورود شما

در همان حال، پس از رستاخیز، کار خود را به عنوان شفیع برای مردم آغاز کرد.

همانطور که کتاب مقدس شهادت می‌دهد، دعاها و ستایش‌های خود را به خدا تقدیم می‌کند: «زیرا... یکی است

واسطه بین خدا و انسانها، انسان عیسی مسیح» (اول تیم. 2:5)

در آخرالزمان، آخرین کار او قبل از آمدن به زمین برای جستجوی کلیسایش، پاک کردن آن خواهد بود

گناهان مؤمنان از دفاتر بهشت. در این زمینه، کتاب مقدس به ما اطلاع می‌دهد که همه ما

ما کتابی داریم که آثارمان در آن ثبت شده است. نمیا پرسید: «خدای من، مرا یاد کن

و احسانی را که به خانه خدای خود و به شعائر آن کرده ام محو مکن» (نم. 13:14)

عیسی هر شخصی را که در هر عصری وارد خدمت او شده است، قضاوت می‌کند تا مورد او را مشخص کند

زندگی یا مرگ ابدی

مزمورنویس در مورد ایماندارانی که بندگان خدا را آزار می‌دهند، می‌گوید: «آنها محو شوند.

از کتاب زندگان، و با عادلان نوشته نشود» (مزمور 69:28) و برای کسانی که استقامت دارند

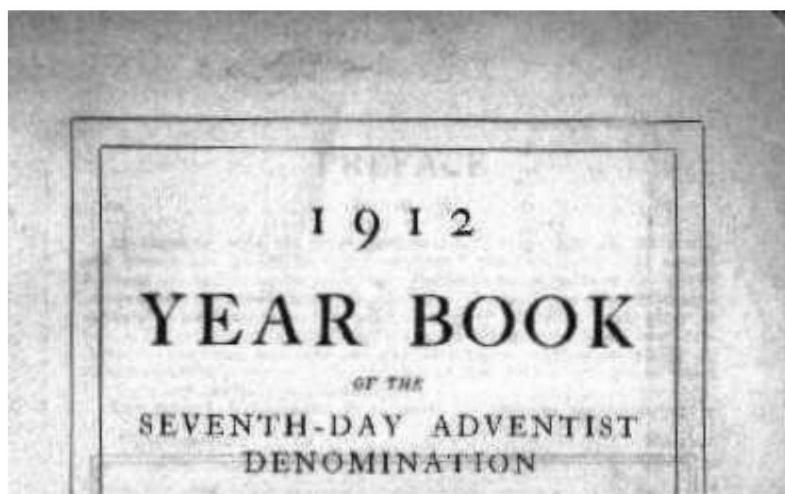
با توجه به این وعده: «کسی که پیروز می‌شود... هرگز نام او را از کتاب زندگی محو نخواهم کرد. این است

نام او را در حضور پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهم کرد» (مکاشفه 3:5) خود من،
من کسی هستم که به خاطر خود گناهان شما را محو می‌کنم و گناهان شما را به یاد نمی‌آورم.» (اشع.
43:25) او وعده داد که سرانجام گناهان قوم وفادار خود را پاک خواهد کرد. این کار از قبل تنظیم شده بود
توسط مراسم عبری که در آخرین روز تقویم مذهبی، دهمین روز از هفتم دستور داده شد
ماه اول با اولین ماه در حال افزایش پس از اعتدال بهاری آغاز شد که
همیشه بین مارس و آوریل اتفاق می‌افتاد. بدین ترتیب هفتمین ماه مصادف با ماه‌های شهریور و
اکتبر. در طول سال مذهبی، هر یک از نمایندگان خانواده باید در محراب حاضر می‌شدند
حداقل یک بار برای گناهان اهل بیت خود قربانی کند و ایمان خود را به آن نشان دهد
مسیح عیسی، بره خدا که گناه جهان را می‌برد. در آخرین روز سال سومو
کشیش عبری، به نمایندگی از کاری که مسیح در آینده انجام خواهد داد، کار تطهیر را انجام داد.
یا محو گناهان فقط در آن روز او وارد درونی ترین محفظه اتاق شد
محراب به نام «مقدس» که با حجابی از قبلی (مقدس) جدا می‌شد. پس گفت
خداوند به موسی در مورد هارون کاهن اعظم گفت: «به برادرت هارون بگو که داخل نشود
محراب همیشه، در داخل حجاب، در برابر کرسی رحمتی که بر روی کشتی است، به
که او نمی‌میرد؛ زیرا من در ابر بر صندلی رحمت ظاهر خواهم شد. با این کار هارون وارد می‌شود
مقدس؛ با گاو نر، برای قربانی گناه... زیرا در آن روز برای شما کفاره داده خواهد شد.
برای تطهیر شما؛ و از تمام گناهان خود در حضور خداوند پاک خواهی شد» (لاویان 3، 16:2،
30).
به مناسبت این کار به افراد بیرون از حرم صریحا دستور داده شد:
«و هیچ کس نباید در خیمه جماعت باشد، وقتی که برای کفاره وارد می‌شود.
محراب تا زمانی که بیرون رود و برای خود و خانه خود و کل آن کفاره داده باشد
جماعت اسرائیل» (لاویان 16:17) این نشان می‌دهد که در زمان مقرر، زمانی که عیسی این کار را کرد
پاک شدن گناهان در محراب در بهشت، انسان‌ها آنجا نخواهند بود. دانیال 8:14 توسط
عبارت «تا دو هزار و سیصد شب و صبح و حرم مطهر می‌شود» اشاره به این داشت.
کار مسیح درست قبل از بازگشت به زمین برای بار دوم در عبادتگاه انجام شود. در سال 1844،
عیسی وارد مقدس ترین محفظه قدس آسمانی می‌شود و کار تطهیر را آغاز می‌کند.
ادونتیست‌ها زمان ذکر شده در نیوت را به درستی تفسیر کردند. اما اشتباه کردند
رویداد. عیسی همانطور که انتظار می‌رفت به زمین نمی‌آمد، بلکه وارد مقدس ترین مکان مقدس آسمانی می‌شد.
با این حال، جنبش ادونتیست هدف الهی را که تکان دادن قومش و جدا کردن آنها بود، محقق کرد
که مایل بود برای ظهور او برای کسانی که این دنیا را بیشتر دوست داشتند آماده شود. بعد از
ناامیدی، حتی اکثریت قریب به اتفاق مؤمنان خود را ترک کردند. با این حال، کسانی که
وفادار ماندند، به زودی متوجه شدند که خطای آنها کجاست و نور بیشتری نصیبشان شد
از کتاب مقدس، که آنها را در وظیفه جدا کردن "گندم از کاه"، حقیقت کتاب مقدس راهنمایی کرد.
از آموزه‌های نادرستی که هنوز در جماعتی که از آن آمده بودند وجود داشت. روی این تشک، در
مطالعه کتاب مقدس کار اصلاح اعتقادی را که قرن‌ها پیش توسط لوتر آغاز شده بود تکمیل کرد.

اعاده دو حقيقت اساسی: توحيد و روز شنبه

باقی مانده.

اشاره به درب مقدسات که عیسی در سال 1844 از آن عبور کرد و کم کم بقایایی که پس از ناامیدی وفادار ماندند، نبوت وحی نشان دهنده آن است جنبش Adventist با کلمات زیر که در نامه به فیلادلفیا یافت می شود: "من شما را می شناسم ساخت و ساز؛ اینک من دری باز پیش روی تو گذاشته ام و هیچ کس نمی تواند آن را ببندد. قدرت کمی داشتن، شما کلام مرا نگاه داشته اید و نام من را انکار نکرده اید» (مکاشفه. 3: 8) در سال 1863 ادونتیسست‌ها رسماً خود را در فرقه‌ای سازماندهی کردند که آن را دریافت کرد نام "آدونتیسست روز هفتم"، با اشاره به علائم متمایز پیام آن: موعظه بازگشت قریب الوقوع مسیح و روز سبت، هفتمین روز هفته، به عنوان روز خداوند، همانطور که فرمان چهارم می گوید. آنها همچنین به وجود تنها یک خدا، پدر اعتقاد داشتند. به ویژه، آنها حقیقتی را بازسازی کردند که از زمان کلیسای حواری پنهان شده بود - که توسط پولس اعلام شد: "اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر" (اول قرنتیان. 8:6) ادونتیسست‌ها به نوری که چندین دهه دریافت کرده بودند وفادار ماندند. با این حال، پس از مرگ پیشگامان، کسانی که مانند گنج های پنهان برای حقیقت حفاری کردند، نسل بعدی وفاداری خود را کنار گذاشتند. توحيد را ترک کردند و تسلیم شدند. از نظر معنوی به اسارت یک دکترین غلط - تثلیث، چارچوب گذار بیانیه اعتقادات صادر شده در کتاب سال فرقه در سال 1931 نشان می دهد. تا آن زمان، کتاب به ایمان به خدای واحد اشاره دارد. آن سال، این تغییر کرد. اسناد در ادامه می آید حاوی اعلامیه های اعتقادی از سال 1912 و 1931 که تضاد بین این باور را نشان می دهد. اصلی و تغییر یافته:



FUNDAMENTAL PRINCIPLES OF SEVENTH-DAY ADVENTISTS.

By the late Uriah Smith.

Seventh-day Adventists have no creed but the Bible; but they hold to certain well-defined points of faith, for which they feel prepared to give a reason "to every man that asketh" them. The following propositions may be taken as a summary of the principal features of their religious faith, upon which there is, so far as is known, entire unanimity throughout the body. They believe: —

1. That there is one God, a personal, spiritual being, the Creator of all things, omnipotent, omniscient, and eternal; infinite in wisdom, holiness, justice, goodness; truth, and mercy; unchangeable, and everywhere present by his representative, the Holy Spirit. Ps. 139: 7.

2. That there is one Lord Jesus Christ, the Son of the Eternal Father, the one by whom he created all things, and by whom they do consist; that he took on him the nature of the seed of Abraham for the redemption of our fallen race; that he dwelt among men, full of grace and truth, lived our example, died our sacrifice, was raised for our justification, ascended on high to be our only mediator in the sanctuary in heaven, where through the merits of his shed blood, he secures the pardon and forgiveness of the sins of all those who persistently come to him; and as the closing portion of his work as priest, before he takes his throne as king, he will make the great atonement for the sins of all such, and their sins will then be blotted out (Acts 3: 19) and borne away from the sanctuary, as shown in the service of the Levitical priesthood, which foreshadowed and prefigured the ministry of our Lord in heaven. See Leviticus 16; Heb. 8: 4, 5; 9: 6, 7.

3. That the Holy Scriptures of the Old and New Testaments were given by inspiration of God, contain a full revelation of his will to man, and are the only infallible rule of faith and practise.

4. That baptism is an ordinance of the Christian church, to follow

ترجمه:

1. "اینکه یک خدا، یک شخص، یک موجود روحانی وجود دارد، خالق همه چیز، قادر مطلق،

دانای کل و جاودانه؛ بی نهایت در حکمت، تقدس، عدالت، نیکی، راستی و رحمت؛

تغییر ناپذیر، و در همه جا از طریق نماینده او، روح القدس، حضور دارد. مزامیر 139:7

2. اینکه یک خداوند عیسی مسیح، پسر پدر ابدی وجود دارد، که او همه را به واسطه او آفرید

چیزها، و به وسیله آنها زندگی می کنند...» اصول بنیادی ادونتیسست های روز هفتم - سالنامه

از فرقه ادونتیسست روز هفتم 1912 -

در سال 1931 باورها تغییر کردند و "تثلیث" در میان آنها معرفی شد:

1931

YEAR BOOK

OF THE

SEVENTH-DAY ADVENTIST DENOMINATION

Comprising a Complete Directory of
the General Conference, all Union
and Local Conferences, Mission Fields,
Educational Institutions, Publishing
Houses, Periodicals, and Sanitariums.

PREPARED BY
H. E. ROGERS, *Statistical Secretary of
the General Conference.*

PUBLISHED BY
REVIEW AND HERALD PUBLISHING ASSOCIATION
WASHINGTON, D. C.

Printed in the U. S. A.

GENERAL CONFERENCE LIBRARY

FUNDAMENTAL BELIEFS OF SEVENTH-DAY ADVENTISTS

Seventh-day Adventists hold certain fundamental beliefs, the principal features of which, together with a portion of the scriptural references upon which they are based, may be summarized as follows:

1. That the Holy Scriptures of the Old and New Testaments were given by inspiration of God, contain an all-sufficient revelation of His will to men, and are the only unerring rule of faith and practice. 2 Tim. 3:16-17.

2. That the Godhead, or Trinity, consists of the Eternal Father, a personal, spiritual Being, omnipotent, omnipresent, omniscient, infinite in wisdom and love; the Lord Jesus Christ, the Son of the Eternal Father, through whom all things were created and through whom the salvation of the redeemed hosts will be accomplished; the Holy Spirit, the third person of the Godhead, the great regenerating power in the work of redemption. Matt. 28:19.

3. That Jesus Christ is very God, being of the same nature and essence as the Eternal Father. While retaining His divine nature He took upon Himself the nature of the human family, lived on the earth as a man, exemplified in His life as our Example the principles of righteousness, attested His relationship to God by many mighty miracles, died for our sins on the cross, was raised from the dead, and ascended to the Father, where He ever lives to make intercession for us. John 1:1, 14; Heb. 2:9-18; 8:1, 2; 4:14-16; 7:25.

4. That every person in order to obtain salvation must experience the new birth; that this comprises an entire transformation of life and character by the recreative power of God through faith in the Lord Jesus Christ. John 3:16; Matt. 18:3; Acts 2:37-39.

5. That baptism is an ordinance of the Christian church and should follow repentance and forgiveness of sins. By its observance faith is shown in the death, burial, and resurrection of Christ. That the proper form of baptism is by immersion. Rom. 6:1-6; Acts 16:30-33.

6. That the will of God as it relates to moral conduct is comprehended in His law of ten commandments; that these are great moral, unchangeable precepts, binding upon all men, in every age. Ex. 20:1-17.

7. That the fourth commandment of this unchangeable law requires the observance of the seventh day Sabbath. This holy institution is at the same time a memorial of creation and a sign of sanctification, a sign of the believer's rest from his own works of sin, and his entrance into the rest of soul which Jesus promises to those who come to Him. Gen. 2:1-3; Ex. 20:8-11; 31:12-17; Heb. 4:1-10.

8. That the law of ten commandments points out sin, the penalty of which is death. The law can not save the transgressor from his sin, nor impart power to keep him from sinning. In infinite love and mercy,

1931:

"دو. که الوهیت یا تثلیث متشکل از پدر ابدی است، شخصی، روحانی، قادر مطلق، همه جا حاضر، دانای کل، بی نهایت در خرد و عشق. خداوند عیسی مسیح، پسر پدر ابدی، که همه چیز توسط او آفریده شد و به وسیله او رستگاری لشکرهای رستگاری شده است تکمیل خواهد شد؛ روح القدس، شخص سوم الوهیت، قدرت بازآفرینی بزرگ در کار رستگاری متی 28:19.

بار دیگر، در داستان نخ طلایی خدا در طول قرن ها، کلیسای زمانی وفادار او مرتد شد. دیگر با ویژگی های کلیسای واقعی مطابقت نداشت. و مثل همیشه خداوند از طریق پیشگویی ها به زمان آینده ای اشاره کرد که در آن فرد وفادار دیگری ظاهر می شود. حقیقت را دوباره احیا خواهد کرد این روند تفاوتی نخواهد داشت: رسیدن نور، تقسیم داخلی بین کسانی که آن را پذیرفتند و کسانی که آن را رد کردند، به دنبال آن گسست خارجی و ظهور چیز جدید کلیسا همه اینها در زمان مشخص شده توسط نبوت، همانطور که در فصل بعدی خواهیم دید.

فصل 5

کلیسای نبوت در هزاره سوم

کلیسای ادونتیست روز هفتم، در چندین مورد، تاریخ اسرائیل را بازتولید کرد قدیمی اولاً، در منشأ خود، همان ویژگی های اعتقادی متمایز را داشت: توحید و رعایت سبت. به ویژه به عنوان یک مرجع در برگزاری روز هفتم امروزه، این انجمن صیابتری با بیشترین تعداد عضو در جهان است. جهان، حتی از یهودیان نیز پیشی گرفته است. و تاریخ آن با تحقق همان مشخص شده است پیشگویی هایی که در گذشته در مورد یهودیان اعمال می شد. یکی، به ویژه، توجه را جلب می کند: هفتاد سال از اسارت بابلی ها این به یکی دیگر از باورهای متمایز اولیه او مربوط می شود: وجود از یک خدا، پدر. به گذشته برگردیم، یهودیان یکتاپرست بودند، یعنی تنها به وجود یکی معتقد بودند خدا، یک شخص، پدر. موسی نوشت: «به اسرائیل بشنو، یهوه خدای ما تنها است. خداوند» (تثنیه 6:4) به دلیل ارتداد به بابل اسیر شدند. همانطور که واسالها مجبور شدند به دین بابلی ها که به خدای بت پرست اعتقاد داشتند اقرار کنند. ترینیتی نکته قابل توجه مثال عدم تساهل مذهبی بود که به مناسبت تقدیس مجسمه طلایی که نبوکدنصر پادشاه ساخته بود ارائه شد. او به دوستان یهودی دانیال گفت: «اینطور است عمداً ای شدرک، میشاک و عبدنغو، که خدایان من را نپرستید و خدایان مرا نپرستید. مجسمه طلایی که برپا کردم؟... اگر نپرستی، یکدفعه در تنور می اندازیم از آتش سوزان» (دان. 3: 14, 15).

بر اساس آنچه خداوند نازل کرد، اسارت هفتاد سال به طول انجامید. پس از این دوره، یهودیان بودند مجاز به بازگشت به اورشلیم و برقراری مجدد پرستش خدای یگانه است: «کسانی که

فرار کرد شمشیر را به بابل برد. و تا آن زمان خدمتگزار و پسران او شدند
از پادشاهی ایران... تا هفتاد سال تمام شد. با این حال، در سال اول کوروش، پادشاه
ایران... خداوند روح کوروش را برانگیخت... و او در سراسر پادشاهی خود اعلامیه کرد.
و همچنین به صورت مکتوب می گوید: کوروش پادشاه پارس چنین می گوید... یهوه خدای بهشت...
او را مأمور ساخت تا برای او خانه ای در اورشلیم، که در یهودا است، بسازد. که در میان شما از همه است
قوم او بالا بروند و یهوه خدایشان با ایشان باشد» (دوم تواریخ. 23-20:36)
بنابراین، به طور خلاصه، یهودیان به مدت هفتاد سال تحت فرمان خدا پرستان بودند
تثلیث بت پرست سپس با فرمان کوروش آزاد شدند، کسانی که مایل بودند به اورشلیم بازگشتند و
به پرستش تنها خدای حقیقی، پدر (تثنیه 4:6؛ اول قرنتیان 8:6) گذرماً گفته شود که
فقط یک اقلیت بازگشتند. بیشتر آنها قبلاً در بابل ساکن شده بودند و نمی خواستند
ترک کردن. اثبات اینکه بسیاری از آنها باقی ماندند، این واقعیت است که موج دیگری از یهودیان به آنجا نقل مکان کردند
اورشلیم سالها بعد، تحت فرمان اردشیر (به عزرا 7 مراجعه کنید).
کتاب مقدس به ما اعتماد به نفس می دهد تا بتوانیم بین گذشته و آینده تشبیه کنیم. نوشته شده است: «
آن چیزی بود که خواهد بود. و آنچه انجام شده است، انجام خواهد شد. به طوری که هیچ چیز جدیدی در زیر وجود ندارد
آفتاب. آیا چیزی هست که بتوان گفت: بین این جدید است؟ قبلاً در قرون گذشته بود که چنین بود
قبل از ما." (جامعه 10، 9:1 هفتاد سال اسارت که توسط قوم سبت سپری شد
در گذشته (یهودیان) توسط مردم ساباتری زمان حال (ادونتیست های هفتم) نیز چنین بود.
روز). در فصل قبل دیدیم که ادونتیست ها توحید را ترک کردند و معرفی کردند
اعتقاد به تثلیث در سند رسمی خود در سال 1931. بنابراین، آنها همان اعتقاد را پذیرفتند
بابل که یهودیان در گذشته در معرض آن بودند. از آن زمان، درست است که بگوییم که
ادونتیست ها از نظر معنوی «تحت اسارت بابلی ها بودند». هفتاد سال از آن به بعد
منتهی به سال (2001 = 1931 + 70) 2001
هر کسی که تاریخ این فرقه را بداند می داند که امسال یک قیام گسترده رخ داد
در اعضای کلیسا، در نقاط مختلف جهان - یک تکان واقعی. زیاد
آنها با عزم خود برای بازگشت به پرستش خدای واقعی، از اسارت بابل جدا شدند. وجود داشت،
اولاً، یک شکاف درونی بین اسیران تثلیث و کسانی که به دنبال آزادی بودند
پرستش واقعی در مدت کوتاهی، این به جدایی بالغ شد، با نام
مخالفان تثلیث را از میان خود حذف کرد، یا آنها به طور داوطلبانه آن را ترک کردند.
دو قوم حاصل شد: اکثریت که در فرقه باقی ماندند در اسارت ماندند
بابلی ها که تثلیث را می پرستند و اقلیت را که به چندین وزارتخانه کوچک تقسیم شده اند
شناخت وجود «خدای واحد، پدر» (اول قرنتیان 8:6)
واضح بود که ما با یک انتقال کلیسای واقعی روبرو بودیم. او دیگر نخواهد بود
فرقه ای که از بازگشت به حقیقت امتناع می ورزد، و فرقه ای دیگر می آید که آن را پذیرفت.
با این حال، در میان بسیاری از وزارتخانه هایی که در این روند ظهور کردند، پرچم عبادت را حمل می کردند
به خدای یگانه، چگونه می توان حقیقت را تشخیص داد؟ برای انجام این کار، باید به دنبال ویژگی های دیگر بود

از کلیسای واقعی، علاوه بر انطباق با احکام خدا. همانطور که دیدیم قبلاً آنها عبارتند از: داشتن "روح نبوت" یا نور بر پیشگویی های دانیال و مکاشفه (Apoc. 12:17؛ 19:10) و ظهور آن توسط پیشگویی کتاب مقدس نشان داده شده است (جز. 21:25-27).

دانیال نبی در مورد زمانهای آخر مکاشفه دریافت کرد. به قول او: «نه در سال سوم کوروش، پادشاه ایران، کلمه ای به دانیال نازل شد که نامش بلطشصر بود. این کلمه درست بود و درگیر تضاد بزرگی بود. و او این کلمه را فهمید و فهمید از رویا» (دان. 10:1). سپس، 21 روز بعد، فرشته جبرئیل را دید (آیات. 13-2) او به او گفت: «من آمدم تا به تو بفهمانم که در روزهای آخر چه بر سر قوم تو خواهد آمد. زیرا رؤیا هنوز برای روزهای بسیار است» (دان. 10:14). کسانی که کتاب مقدس را می شناسند می دانند که در پایان هفتاد هفته ای که برای یهودیان تعیین شده است، قوم خدا شروع کردند به ایمانداران به وعده های نجات داده شده در مسیح. پل می گوید: «زیرا او یهودی نیست که ظاهراً یکی باشد، و کسی که در ظاهر یکی باشد ختنه نشده است. گوشت اما او یک یهودی است که باطن است و ختنه آن چیزی است که در دل و در روح است.» «همه نه کسانی که از اسرائیل هستند، بنی اسرائیل هستند. حتی به دلیل اینکه آنها از نسل ابراهیم هستند همگی فرزند نیستند... یعنی این فرزندان جسم نیستند که فرزندان خدا هستند، بلکه فرزندان موعود به حساب می آیند فرزندان» (رومیان. 8:6-9؛ 28، 29؛ 2:28 بنا براین، کلمات فرشته "قوم تو در روزهای آخر" است اشاره ای واضح به کلیسای واقعی در آن زمان. برای شناسایی آن لازم است زمینه تاریخی دانیال را درک کنید.

مکاشفه تا فصل 12 ادامه دارد. سپس در پایان، در آیه 4، فرشته می گوید: «و تو ای دانیال، این کلمات را ببند و این کتاب را تا آخرالزمان مهر کن» (دان. 12:4) وحی که می گوید احترام به آخرین کلیسا مهر و موم شد. اما در مکاشفه می بینیم که کتاب مهر و موم شده باز شده است: «و در سمت راست او که بر تخت نشسته بود، کتابی را دیدم که از درون و بیرون نوشته شده بود و مهر و موم شده بود. با هفت مهر... و من نگریستم و اینک در میان تخت بود... یک بره... و آمد و کتاب را گرفت. از دست راست کسی که بر تخت نشست.» «و چون بره یکی از مهرها را باز کرد، نگاه کردم و یکی از چهار حیوان را شنیدم که با صدایی مانند رعد گفت: بیا و ببین. و من نگاه کردم و دیدم اسبی است سفید؛ و آن که بر او نشسته بود کمان داشت. و تاجی به او داده شد، و او پیروز شد، و پیروز شویم» (مکاشفه. 2، 1؛ 6؛ 7-1؛ 5: "اسب" به عنوان نماد یک کلیسا استفاده می شود. در اشعیا، خداوند قوم بنی اسرائیل را با اسبی به رهبری مسیح مقایسه کرد و به زیارت در آن اشاره کرد بیابان به سوی کنعان: «محبتهای خداوند و ستایشهای بسیار خداوند را یاد خواهیم کرد. مطابق با تمام آنچه خداوند به ما داده است. و مهربانی بسیار به خاندان اسرائیل... زیرا گفت: همانا آنها قوم من هستند، فرزندان که دروغ نمی گویند. بنابراین او نجات دهنده آنها شد. که در همه پریشانی آنها او مضطرب بود و فرشته حضور او آنها را نجات داد... او روزهای او را به یاد آورد از موسی و قومش گفت: اکنون کجاست او که آنها را از دریا بیرون آورد

چوپان گله شما؟ او که آنها را از میان پرتگاه ها هدایت کرد، مانند اسبی در بیابان، بنابراین چه کسی هرگز زمین نخورد؟» (اشعیا. 63:7-13)

اسب آخرالزمان سفید است که نشان دهنده خلوص است. "خداوند می گوید: هر چند که گناهان شما مانند قرمز مایل به قرمز، مانند برف سفید خواهد شد." (اشعیا. 1:18) شما شوالیه لباس سفید پوشیده بود، که نمایانگر واضح مسیح است که این کلیسا را هدایت می کند. او داشت همچنین یک "قوس". این یکی از سلاح های مورد استفاده در جنگ بود و نشان دهنده نبرد، مبارزه است. یعقوب گفت یوسف گفت: «من بخشی از زمین را بیشتر از برادرانت به تو دادم که با خود گرفتم شمشیر و با کمان من از دست اموریان» (پیدایش. 48:22) تاجی داشت که نماد است از پیروزی خداوند می گوید: "تا حد مرگ وفادار باشید و من تاج حیات را به شما خواهم داد" (مکاشفه. 2:10) به عبارت دیگر، به طور خلاصه: به محض باز شدن مهر کتاب نبوت دانیال، یحیی دید. یک کلیسای خالص، که توسط خود مسیح هدایت می شد، که در میان مبارزات روحانی، چندین مورد را به دست آورد پیروزی ها چه زمانی باید ظاهر شود؟ برای دانستن، باید بافت تاریخی آن را تحلیل کنیم دانیال، برای شناسایی زمانی که او در تاریخ نبوی مدرن بازتولید کرد. دانیال دو سال پس از پایان هفتاد سال اسارت، فرشته را ملاقات کرد بابل. کوروش در اولین سال سلطنت خود فرمانی را صادر کرد که به اسارت پایان داد: «در سال اول کوروش پادشاه ایران... خداوند روح کوروش را برانگیخت... موعظه... گفتن... یهوه خدای بهشت... به من دستور داد تا برای او خانه ای در اورشلیم که در یهودا است. هر که در میان شما از میان تمامی قومش باشد، برود» (دوم تواریخ. 36:22) (23) دانیال این رؤیا را «در سال سوم کوروش» دید (دانیال. 10:3) و در آن زمان بود که ملاقات را دریافت کرد فرشته که گفت: «او به من گفت: دانیال، ای مرد بسیار محبوب، سخنانی را که به تو می گویم درک کن، و روی پاهایت بایست، زیرا من به سوی تو فرستاده شده ام... اکنون آمده ام تا به تو بفهمانم که چیست برای قوم تو در روزهای آخر اتفاق می افتد» (دان. 10:14) در دوران مدرن، ادوتیست‌ها خود را از نظر معنوی تسلیم اسارت بابل‌ها کردند از سال 1931 زمانی که آنها اعتقاد به خدای یگانه را کنار گذاشتند و تثلیث را دریافت کردند. هفتاد سال بعدها، در سال 2001 پایان اسارت آنها به پایان رسید و بسیاری از آنها قیام کردند و بازگشتند. دو سال پس از اسارت ما را به سال 2003 می برد. (2003 = 2 + 2001) این سال برابر با سال دیدار فرشته از دانیال در دوران مدرن خواهد بود. پس گفت که آنچه را که برای «مردم تو در روزهای آخر» اتفاق می افتد، آشکار می کند. هنگامی که نبوت در اولین مهر نازل شد، ما ظهور کلیسای خالص را مشاهده می کنیم که توسط آن هدایت می شود. عیسی، به نمایندگی از شوالیه - کسی که وضعیت "کلیسای واقعی" را به ارث خواهد برد تداوم "رشته طلایی" خدا بر روی زمین. بنابراین انتظار می رفت که الف کلیسای خالص در سال 2003 در میان بسیاری از خدماتی که با هدف بازسازی عبادت واقعی و اطاعت از احکام از سال 2001 به طور خاص، در تاریخ مشخص شده است. در دسامبر 2003 خداوند فرشته ای را فرستاد که پیام او را ابلاغ کرد برای برادر الخاندرو، که در آن زمان یکی از کسانی بود که به دلیلی که قبلا توضیح داده شد از کلیسای ادوتیست حذف شد.

باید یک وزارتخانه با پنج برادر که نامشان ذکر شد تشکیل داد

-به ترتیب حروف الفبا: "الخاندر، فابیو، جایرو، لوتیز و روجریو". این وزارتخانه با نام "وزارت 4فرشته".

در این مرحله قابل ذکر است که این واقعیت که این کلیسا در آغاز خود توسط

اسب سفید به این معنا نیست که اعضا یا رهبران آن بدون نقص یا مصون بوده اند

آنها. آنها مردان گناهکار بودند، مانند همه کسانی که خداوند در تمام اعصار زمین انتخاب کرده است.

ابراهیم، مانند یعقوب، داوود، پطرس، پولس و بسیاری دیگر، شکست های خود را در کتاب مقدس ثبت کرد.

خلوص اسب سفید نه با این واقعیت که اعضا هیچ عیب و نقصی ندارند، بلکه بیشتر با این واقعیت آشکار می شود

خود را در برابر خدا فروتن کنند و تنها به عدالت مسیح اعتماد کنند و به او ایمان داشته باشند. متن از

زکریا کار خداوند را در اعطای جامه سفید به گناهکار توبه‌کار و مؤمن نشان می‌دهد:

«و یوشع کاهن اعظم را که در حضور فرشته خداوند و شیطان ایستاده بود به من نشان داد.

در دست راست او بود تا با او مخالفت کند. اما خداوند به شیطان گفت: خداوند تو را توبیخ کند

شیطان، آری، خداوندی که اورشلیم را انتخاب کرد، تو را سرزنش کند. آیا این برندی نیست که از آتش کنده شده است؟

یوشع با لباس های کثیف در برابر فرشته ایستاد. سپس به کسانی که پیش از او بودند پاسخ داد:

گفت: این جامه های کثیف را در بیاور. و او به یوشع گفت: اینک گناه تو را از تو دور کردم و تو را جامه های خوب خواهم پوشاند.» (زک. 4، 3:3 این فقط به

عنوان ثمره این کار مسیح است

که نماد ردای سفید می تواند نمایانگر کلیسای خدا روی زمین باشد.

کلیسای واقعی به خودی خود عدالت ندارد. پولس دلیل رد آن را ذکر می کند

یهودیان به عنوان کلیسای واقعی این واقعیت را دارند که «عدالت خدا را ندانند و در جستجوی

عدالت خود را تثبیت کنند، آنها تسلیم عدالت خدا نشدند» (رومیان 10:3) عدالت از

خدا مسیح است. او رئیس است. دلیل وجود کلیسا. کلیسا بدن اوست (افس. 1:22، 23).

غیر از او کلیسایی وجود ندارد، زیرا فقط حضور او می تواند کلیسا را تأسیس کند. با گفتن آن،

می توانیم به تاریخ مدرن برگردیم.

از همان ابتدا، خدمت ویژگی دیگری از کلیسای واقعی را نشان داد:

"دریافت نور از مسیح بر مکاشفه پیشگویی های دانیال و مکاشفه". علاوه بر اعلام

نیاز مردم به ترک عقیده نادرست (تثلیث) و بازگشت به پرستش واقعی،

از تحقق برخی از پیشگویی ها، به ویژه روزهای 1290، 1260 و 1335 دانیال خبر داد.

12 و ظهور ژان پل دوم به جهان، به عنوان جانور مکاشفه - 17 نبوت آخرین

پاپ در این راستا، در میان تمام خدمات دیگر که از کلیسای ادونتیست سرچشمه می گیرد،

از سال 2001 به عنوان تنها توضیحی منسجم از تحقق آینده

چندین نبوت از دانیال و مکاشفه. دیگران دیدگاه سنتی مورد حمایت را حفظ کردند

کلیسای ادونتیست برای بیش از یک قرن - که تقریباً همه پیشگویی های این کتاب ها داشتند

تحقق کامل خود را در گذشته، تنها با چند خط از همان

رویدادهای آینده را نشان داد.

بنابراین، مرحله جدیدی از کلیسای واقعی خدا بر روی زمین آغاز شد. در ابتدا، تجربه مبارزه و پیروزی که بر روی اسب سفید نشان داده شده بود به معنای واقعی کلمه در اعضای گروه محقق شد وزارت. شیطان به طرق مختلف سعی در معرفی روح تفرقه و ارتداد داشت. O وزارتخانه تلفات زیادی داشت، اما اکثر اعضای رهبری باقی ماندند چسبیده به مسیح، ایستاده ماند. یکی از کسانی که فرشته منصوب کرده بود از قبول مسئولیت خودداری کرد مکان تعیین شده الهی با مکان دیگری جایگزین می شود. و در نتیجه تکان های پی در پی با حملات دشمن، نامهای متعددی در کمیته مدیریت به دنبال یکدیگر آمدند و در نهایت سقوط کردند بعدها: گیلمار، نیمار، خوزه، ایواندرو، رافائل، جیمی، برونو، لوکاس و جفرسون. انتظار می رود که کسانی که سقوط کردند ممکن است هنوز توبه کنند و برگردند. با این حال، مکاشفه پیشگویی دانیال در مورد کلیسای روز آخر چنین نبود تمام شده. پس از مهر اول، مسیح، بره خدا، مهر دوم را باز کرد. آن آغاز شده سپس فصل دیگری از کلیسا - این یکی از یک طرف بسیار غم انگیزتر است. اما از سوی دیگر نشان داده شد که منادی آینده ای جدید، که چشم انداز آینده ای باشکوه را از دیدگاه معنوی به ارمغان می آورد، همانطور که در زیر خواهیم دید.

فصل 6

تکان خوردن و ظهور کلیسای جدید نبوت

«و چون مهر دوم را گشود، وحش دوم را شنیدم که می گفت بیا و بین. و یکی دیگر بیرون آمد اسب سرخ؛ و به کسی که بر آن نشست داده شد تا از زمین صلح کند و به آن یکدیگر را بکشند؛ و شمشیر بزرگی به او داده شد.» (مکاشفه 4، 6:3 در مقابل سفیدی اسب در مهر اول، در مهر دوم کلیسا با یک مهر قرمز نشان داده شده است. این نماد گناه است: "خداوند می گوید: حتی اگر گناهان شما ... به اندازه قرمز باشد زرشکی، مانند پشم سفید خواهند شد." (اشعیا 1:18) پیشگویی سقوط را پیش بینی کرده بود معنوی - از سفید تا قرمز. به همین دلیل، عیسی، به نمایندگی از شوالیه، جدایی را ترویج می کند. «به کسی که بر آن می نشیند داده شد تا صلح را از زمین بگیرد.» معنای کلمات در متن لوقا توضیح داده شده است: «آیا شما فکر می کنید که آمده ام تا صلح را در زمین بیاورم؟ نه، من به شما می گویم، بلکه اختلاف است. زیرا از این به بعد پنج نفر به یک خانه تقسیم می شوند: سه در برابر دو و دو در برابر سه.» (لوقا 12:51، 52) کلمات متن پر معنا هستند، همانطور که از روایت حقایق مشاهده خواهد شد.

بین ژوئن و ژوئیه 2008 حدود 5 سال پس از تأسیس این وزارتخانه، رویدادی رخ داد. که سالها بعد به نقطه عطفی اولیه تبدیل شد که تقسیم را تعیین کرد. یکی از اعضای کمیته کتابی با عنوان: "اما برای ما فقط یک خدا وجود دارد، پدر" نوشتند. همانطور که مرسوم بود، سپس آن را برای بررسی به کمیسیون ارائه کرد و در انتظار تصویب آن بود به انتشار خود ادامه دهید ارائه این پیشنهاد با واکنش منفی کمیته مواجه شد. چند نفر پیشنهاد کردند که مطالب باید بدون نام نویسنده، تحت هر یک از آنها منتشر شود ادعا - که امروزه به دلیل حسادت فهمیده می شود. صرف نظر از دلایل، در آن زمان نویسنده تحمیل شده را پذیرفت و منتظر نظر نهایی بود. بعد از 18 ماه هنوز این کار را نکرده بودم بازخورد از کمیسیون دریافت کرد. در آن زمان بود که او ماجرا را به یکی دیگر از اعضای کمیسیون گزارش کرد - آلخاندرو که تغلل آشکار و بد اراده دیگران را دید و از نویسنده حمایت کرد حتی بدون تایید کمیسیون چاپ کنید. برای جلوگیری از ایجاد این تصور که یکی بود با پیشگامی بدون در نظر گرفتن سایر اعضای کمیسیون، کتاب با انتشارات چاپ شد نام نویسنده در آن زمان نویسنده کتاب «ای اوتاو» را به پایان رسانده بود. اما، با دیدن آنچه که کمیسیون با عنوان قبلی انجام داده بود، او به همراه برادرش الخاندرو تصمیم گرفت آن را بدون انتشار منتشر کند تصویب کمیسیون

دو عنوان "با این حال برای ما فقط یک خدا وجود دارد، پدر" و "هشتم" بود. در همان زمان منتشر شد و در ژوئن 2008 آماده شد. بنابراین، دو مورد وجود داشت اعضای کمیته ای که از این ابتکار حمایت کردند - خایرو، نویسنده، و آلخاندرو. وقتی فهمیدند در مورد آنچه اتفاق افتاد، سه عضو دیگر کمیسیون اعلام کردند که چنین موادی «به آن تعلق ندارد وزارت، زیرا این ابتکار شخصی نویسنده بود» و روایت خود را از حقایق در اختیار این نهاد قرار دادند عضویت، که تقسیم کمیسیون را به "سه در برابر دو" تعیین کرد. دقیقا چطور

پیشگویی در لوقا 12 نبوت برآورده شد.

چند آیه پیشتر در همین فصل، عیسی به ماهیت این مشکل اشاره می کند تقسیم را تعیین می کند. دو گروه ذکر شده است، یکی که حمل پیام را بر عهده دارد یا جیره را در وقت خود بدهد و دیگری که به وظیفه نقد می پردازد: «و خداوند فرمود چیست؟ برای مباشر وفادار و خردمندی که خداوند بر بندگان خود گماشته است تا به موقع به آنها عطا کند. بخش؟ خوشا به حال آن بنده ای که وقتی اربابش می آید او را در حال انجام این کار بیابد. که در راستی به شما می گویم که او را بر تمام داراییهایش خواهد گذاشت. اما اگر آن بنده در دل خود بگوید: مولای من دیر آمد. و شروع به زدن غلامان و کنیزان و خوردن و آشامیدن و به مست شو، مولای آن بنده در روزی می آید که او را انتظار ندارد و در ساعتی که او را انتظار ندارد. می داند و او را جدا می کند و سهم خود را با کافران به او می دهد.» (لوقا 12:42-46) انتقاد توسط عبارت «کنک زدن خدمتکاران و کنیزان»، زیرا منجر به همان چیزی می شود - صدمه زدن به دیگران. تنها با این تفاوت که به جای مشت از زبان استفاده می شود.

عیسی اعلام کرد که کسانی که دست به کار شیطان می زنند در همین جا متوقف نخواهند شد. آنها در «خوردن، و بنوش و مست شو» خوردن و آشامیدن معنای لغوی دارد، در حالی که «مست» به معنای مستی است

معنوی زیرا استفاده از کلمه مست بعد از "نوشیدن" منطقی نیست، اگر هر دو بودند برای انتقال همین ایده استفاده می شود.

هر دو اتفاق در حزب انشعاب رخ داد. کسانی که اکثریت را تشکیل می دادند کمیسیون به تدریج از دستورات عمل های کتاب مقدس در مورد رژیم غذایی دور شد. از طرف از آن زمان به بعد حقایقی را که به کمیسیون آورده شده، رد می کنند که به معنای معنوی همین است به عنوان "مستی" ترجمه شده است. زیرا در کتاب مقدس، آب خالص نشان دهنده آموزه واقعی است، در حالی که شراب الکلی، که قوه تشخیص را منحرف می کند، نشان دهنده آموزه های نادرست است. عیسی گفت: هر که از آبی که به او می دهم بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، زیرا آبی که به او می دهم در او می شود. چشمه آبی که به حیات جاودانی سرچشمه می گیرد» (یوحنا 4:14) در مورد تعلیم کلیسای دروغین، بابل آخرالزمان می گویند: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد، آن شهر بزرگ که برای همه ملت ها و شراب خشم زناي خود را به نوشیدن داد» (مکاشفه 14: 8) بازگشت به داستان: کمیسیون به سه در برابر دو تقسیم شد، همانطور که در پیش‌بینی شده بود مهر دوم (گرفتن صلح از زمین)، و در لوقا 12 دو نفر برای انتقال پیام تلاش می کردند به مردم، از طریق کتاب‌های جدید، «غذا در زمان خود» می‌دهند، در حالی که سه نفر مشغول به کار بودند کار نقد کردن از آن پس، نورهای جدیدی توسط نویسنده هر دو کتاب آورده شد، فقط به متوالی رد شود.

اندکی بعد نویسنده کتاب ها در جستجوی این کتاب به آمریکا سفر کرد مطالعاتی را به دست آورد که به روشنگری موضوع توجه با ایمان معروف بود. در مورد بود مطالب تهیه شده توسط کشیش رابرت جی ویلند، 94 ساله در آن زمان، و همکارانش. آنها بودند مطالعاتی در مورد پیام عادل شمرده شدن با ایمان، که به ادونتیست های روز هفتم ارائه شد در یکی از نشست های جهانی خود به نام کنفرانس عمومی که در مینی‌سوپولیس برگزار شد، مینه سوتا، در سال 1888 این پیام رسان دو کشیش فرقه، آلونسو تی جونز و اللت بودند. جی. واگنر، اولی، همچنین معلم تاریخ؛ دومی دکتر به دلیل کم بودنش سن در آن زمان، از جمله عوامل دیگر، (به ترتیب 37 و 33 سال)، پیام او رد شد. توسط بزرگان، پیشگامان جنبش، به استثنای الن جی وایت و چند نفر چوپانان در نتیجه پیام دفن شد.

کتاب‌های کشیشی که حاوی این پیام بود به فراموشی سپرده شد تا اینکه در تلاش کشیش رابرت ویلند و همکارش دونالد کی علاقه. این دو کشیش پرونده ای را با عنوان به کنفرانس عمومی فرقه تحویل دادند (1888 Re-examined) (1888 Re-Examined) که در آن آنها به رد پیام توسط رهبری سازمان، همانطور که توسط الن جی وایت اشاره شد، و موضوعات ضروری سازمان را توضیح داد یکسان. اگرچه هدفش این نبود، اما این مطالب به دست اعضای غیر روحانی کلیسا افتاد و توسط آنها انتشار، ترجمه و در نقاط مختلف جهان منتشر شد. نور نمی توانست گیر کردن خداوند دستور داده بود: «نور باشد».

کشیش‌ها ویلند و شورت مورد بررسی دقیق رهبری قرار گرفتند سازمان، با هدف بررسی فتنه گر بودن آنها. هنگامی که وفاداری خود را به سازمان، آنها اجازه داشتند سمت خود را حفظ کنند. اما باز هم هدف شایعات قرار گرفتند و آزار و اذیت‌های پنهان در داخل فرقه با گذشت زمان، برخی از اعضا که آنها با خوشحالی نور را دریافت کردند، به آنها پیوستند و گروهی به نام 1888 تشکیل دادند کمیته، با هدف گسترش نور. با حمایت دوستان، کشیش ویلند 23 را نوشت کتاب‌هایی در مورد پیام، که آخرین آنها 1888 «برای تقریباً آدم‌ها» بود. احمق)، درست قبل از ملاقات نویسنده در خانه اش منتشر شد.

در این بازدید، نویسنده برخی از شبهات را روشن کرد و مطالب زیادی به دست آورد. آنها را بخوانید و آن را به ارمغان آورد تا بتواند برادران دیگر وزارت 4 فرشته را با نور دریافت شده برکت دهد. هنگام بازگشت در سفر، یک سری موعظه در توضیح این پیام ایراد کرد. با این حال، نور توسط آن پذیرفته نشد رهبری. کسی که بیشترین نفوذ را در بین سه نفر از حزب مخالف داشت، آن را رد کرد. آ پیام اشاره کرد که انسان تنها با ایمان عادل می شود که دوباره متولد شود، همانطور که نوشته شده است: «پس اگر کسی در مسیح است، مخلوق جدیدی است. چیزهای قدیمی از بین رفته اند؛ بین که همه چیز جدید شده است» (دوم قرنتی. (17: 5) "بچه های کوچک، اجازه ندهید کسی شما را فریب دهد. هر که عدالت را رعایت کند عادل است همانطور که او عادل است» (اول یوحنا. (7: 3) اما کسی که آن را رد کرد اصرار داشت که آن مرد خواهد بود وقتی خدا او را عادل اعلام کرد، بدون توجه به تغییر قلبش، عادل شد. که می تواند بعداً به وجود بیاید، زیرا انسان در تجربه رشد می کند. رد و آن تأملاتی که با تضاد در خطبه‌های بعدی در هر دو طرف احساس می‌شد، عمیق‌تر شد تقسیم.

واقعیت دیگری نیز به این تقسیم کمک کرد و ثابت شد که تحقق سخنان اوست مسیح. نویسنده کتابها در مورد آغاز قضاوت زندگان نور دریافت کرد. این نور مبتنی بود در موازی نبوی با داستان عزرا باب 7، که در آن اردشیر، عنوان «پادشاهان از پادشاهان»، به کاهن عزرا دستور داد تا درباره یهودیان تحقیق (تحقیق) کند تا ببیند آیا چه در شریعت خدای خود قدم بردارند و چه نکنند و طبق قاعده آنها را محکوم کنند. سناریو چه چیزی را از قبل مشخص کرد در آغاز دآوری زندگان زمانی رخ می دهد که به دستور خدای پدر، حق است پادشاه پادشاهان، عیسی، تحقیق در مورد پرونده های نسل زنده روی زمین را آغاز خواهد کرد. پیام از عزرا 7، در نوری که امروز داریم، به طور کامل در ضمیمه این کتاب رونویسی شده است. آموزه‌ای که در عزرا یافت می‌شود، از آیات دیگر مستتر بود. این وزارتخانه بوده است برای اعلام نیاز به ترک بت پرستی (اعتقاد به تثلیث) و بازگشت به پرستش تنها خدای واقعی، پدر (اول قرنتیان 6: 8؛ یوحنا. (3: 17) در این معنا، او را به جهان پیام اولین فرشته مکاشفه 14. متن می گوید: "و دیدم که فرشته دیگری از طریق آن پرواز می کند. وسط آسمان، و انجیل جاودانی را داشتم تا به ساکنان روی زمین و به همه اعلام کند. قوم و قبیله و زبان و قوم با صدای بلند می گویند از خدا بترسید و او را جلال دهید. چون هست ساعت قضاوت او فرا رسیده است. و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید.»

(مکاشفه 7، 14:6) توجه داشته باشید که همان پیامی که می‌گوید «او را که آفرید... را پرستش کنید» با این شروع می‌شود

کلمات: «ساعت داوری او فرا رسیده است». مشخص است که محاکمه تحقیقاتی در سال 1844 در

رعایت 2300 بعد از ظهر و صبح. و این که با مردگان شروع شد و به پایان رسید

آخرین نسلی که بر روی زمین زنده است، تا مسیح از شفاعت خود برای انسان‌ها دست بردارد و

"در فضل بسته است" بنابراین، اعلامیه ای که باقی مانده بود، دیگر حکم مردگان نبود

-از مدتها پیش آغاز شده است، بلکه آغاز قضاوت زندگان است. در پیام موجود است

از اولین فرشته

افرادی که پس از اسارت بابلی ادونتیسیت تحت تثلیث، در سال 2001 توسط خداوند بزرگ شدند،

نه تنها باید همه را به بازگشت به عبادت واقعی فرا می‌خواند، بلکه باید می‌خواست

چشمانش را به این واقعیت گشود که قضاوت زندگان آغاز شده است. اما او این کار را نکرد، زیرا او هنوز

نور را ندیده بودم. زمانی که یکی از اعضای کمیته به رهبری این کمیته ارائه شد

وزارت 4 فرشته، سه نفری که اکثریت را تشکیل می‌دادند آن را رد کردند و از انتشار آن جلوگیری کردند. آ

در این زمان قبلاً در چندین مکان موعظه شده بود و ثمرات آن نشان می‌داد که دارای اعتبار الهی است: مردم کشورهای مختلف آفریقا کلیساهای

خود را رها کرده و به دنبال آن بودند.

گاهان خود را ترک کنند و به خدمت بپیوندند و جماعت‌های جدیدی تشکیل شد. با این حال،

گردش آن قطع شد و این واقعیت که قبل از «اخذ تأیید کمیسیون» موعظه شده بود.

به عنوان نتیجه غرور و روحیه استقلال طلبی پیام رسان محکوم شد

اعضای کمیته همکارش

چندی بعد، نویسنده به ارائه همان حقیقت، این بار متأثر شد

بر اساس مکاشفه 12، جایی که او به "زن پوشیده از خورشید ... با دردهای

زایمان... مشتاق به زایمان» (Apoc. 12:1-3) به عنوان معرف کلیسای زندگان روی زمین،

در برابر خدا تواضع می‌کند و برای پیروزی بر گناه در زمان داوری زندگان دعا می‌کند.

در حالی که «ازدهای قرمز بزرگ»، شیطان، «در برابر زن ایستاده بود» تا با او مخالفت کند (مکاشفه

(4، 12:3) این که صحنه قضاوت زندگان را به تصویر می‌کشد، با خواندن آیات بعد، در

که گفته می‌شود شیطان از بهشت رانده می‌شود و اهل آن ندا می‌دهند: «اکنون آمد.

نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما و قدرت مسیح او. زیرا متهم از

برادران ما سرنگون شده‌اند که شبانه روز آنها را در حضور خدای ما متهم می‌کردند» (Apoc.

(10:12) معلوم است که در قضاوت تحقیقی، در حالی که عیسی نام ما را مرور می‌کند،

شیطان خود را در برابر ما متهم می‌کند. هنگامی که او رانده می‌شود، فرشتگان اعلام می‌کنند که تا آن زمان او

برادران خود را متهم کرد - ما. در دانیال 8:10 کلیسا "میزبان بهشت" نامیده می‌شود. از این رو فرشتگان

ما را برادر خود می‌دانستند.

اگرچه امروز واضح به نظر می‌رسد، اما این پیام توسط سه عضو شورای امنیت پذیرفته نشد

کمیسیون، اکثریت در آن زمان. و از موعظه او نیز جلوگیری شد. الف را تحکیم می‌کرد

حالت رد نورهای متوالی فرستاده شده توسط آسمان بین این سه. وزارت بود

به دو دسته تقسیم می‌شود - حامل و رد کننده نور.

پیشگویی کلیساهای مکاشفه

در این مرحله، شاپان ذکر است که آیاتی وجود ندارد که هیچ یک از آنها که در خدمت 4 فرشته شرکت کردند - به ویژه کسانی که در کلیسای اصلی شرکت کردند. این پیام مکرراً توسط رهبران موعظه شد - و به رسمیت شناخته شد که از جانب خداست - به اولین کلیسای آخرازمان، افسس، که برای خدمت 4 فرشته اعمال شد. علاوه بر این، برای برای بهره مندی خواننده، گذراً ذکر می کنم که علمای وحی می دانند که نبوت از هفت کلیسای ارائه شده در مکاشفه باب 2، 3 تحقق موازی با هفت مهر به عبارت دیگر، هر دو یک چیز را به تصویر می کشند. یکی اطلاعاتی را به فاش شده اضافه می کند توسط دیگری همانطور که تا کنون دیدیم، با هر مهری که باز می شود، شرایطی از کلیسا ارائه می شود. و به بهترین وجه در پیشگویی که نامش را می بینید: «هفت کلیسا». بنابراین، پیام در ابتدا کلیسا برای کسی است که در مهر اول نشان داده شده است و غیره. در اولین مهر، کلیسا با "اسب سفید" نشان داده شد که "پیروز و پیروز" ظاهر شد. غلبه کردن» (مکاشفه 2: 6) این تجربه در پیامی که در نامه به کلیسای اول برای او فرستاده شده است نشان داده شده است: «به فرشته کلیسای افسس بنویس... من کارهای تو و کار تو و صبر و بردباری شما، و این که نمی توانید از بدی ها رنج ببرید. و کسانی را که می گویند رسول هستند و کسانی را که نمی گویند آزمایش می کنی آنها هستند، و تو آنها را دروغگو یافتی. و رنج کشیدی و صبر داری. و تو برای نام من کار کردی و نکردی خسته شدی...» (Apoc. 2: 1-3) در نبردهای مختلف، مواجهه با تعصب، ارتداد، مخالفت باز بودن کلیسای ادونتیست و آزار و شکنجه، تا آن زمان وزارتخانه در چشمان پیروز ظاهر شده بود. خداوند. ایمان کم نبود. اما عیسی می افزاید: «اما من این را علیه تو دارم، زیرا عشق اول خود را ترک کردی. یاد آوردن- پس از آنجا که سقوط کرده اید، توبه کنید و کارهای اول را انجام دهید. وقتی نه، به زودی به شما من خواهم آمد و شمعدان تو را از جایش برمی دارم، مگر اینکه توبه کنی» (مکاشفه 2: 4، 5) داشتن اولین بخش به طور کامل رعایت شد، کمال اعمال اخطار به وزارت غیرقابل انکار بود. 4 فرشته هدف این پیام به ویژه رهبران بود، همانطور که عیسی در مقدمه می گوید: «به فرشته کلیسا... می نویسد، و فرشته نماینده هر کسی است که انجیل را موعظه می کند یا تعلیم می دهد. پولس رسول ثبت کرد که ایمانداران غلطیه او را به عنوان "فرشته خدا" پذیرفتند (غلاطیان 4: 14). هشدار این بود: «اولین کارها را انجام دهید. اگر نه، به زودی نزد تو می آیم و تو را از جایت برکنار می کنم شمعدان تو، مگر اینکه توبه کنی.» روح انتقاد، فروتنی برای دریافت نور جدید مهم نیست که چه کسی ابزار حامل، مشخصه هایی بودند که در ابتدای تاریخ وزارتخانه وجود داشت، اما اگر در طول زمان از دست داده است. به طور خاص، "شمعدان" ذکر شده توسط مسیح مطابق با چراغ در آن زمان، زیرا شب ها با مشعل ها یا شمعدان های حاوی روغن و فتیله معنای معنوی آن به وضوح در کتاب مقدس توضیح داده شده است: «تو چراغی برای پای من هستی.

کلمه و نوری برای راه من» (مزمور 119:105). ما هشدار مسیح را درک می کنیم به عنوان هشدار برای رهبران که موضع نپذیرفتن نور کلام خدا را اتخاذ نکنند. ما می توانیم معنای این را بهتر درک کنیم. اکنون، همانطور که دیدیم، وزارتخانه بود برخاسته است، مانند هر کلیسای واقعی خدا، تا پیامی متمایز را به مردم موعظه کند زمان آن، برای این نسل؛ چیزی که هیچ فرقه مذهبی دیگری ندارد. بنابراین، نماد شمعدان صرفاً نشان دهنده آموزه های کلی در مورد کتاب مقدس نیست، توسط تمام یا بیشتر جهان مسیحیت به رسمیت شناخته شده است. نماد حقیقت است برای زمان حاضر، متشکل از نور اضافی در آموزه های باستانی، که آنها را وارونه نمی کند، بلکه آنها را با درخشندگی بیشتری بدرخش. و همچنین نور اضافی در پیشگویی های کتاب مقدس - زیرا کلیسای واقعی همیشه کلیسای نبوت است و این به آنها نور می دهد. از این رو فهمیده می شود، به طور خاص، که برداشتن شمعدان با رد نور مخصوص این زمان مطابقت دارد، که از کلام خدا می درخشید.

داستانی که به زودی در این فصل بیان شد، تنها به شواهدی که در اینجا افشا می شود، اهمیت می دهد. آ اکثر رهبران چراغ های متوالی را که به وزارت آورده شد - به ترتیب زمانی رد کردند: پیام قضاوت زندگان بر اساس مطالعه عزرا 7؛ همان پیام، دوباره ارائه شد با مطالعه مکاشفه 12؛ و توجیه از طریق ایمان در پرتو پیامی که در سال 1888 به او داده شد کشیش جونز و واگنر. آنها را که مثل چراغ روی شمعدان می شعله ور می کردند، کنار رانده می شدند. با نگرش مردانی که تاریکی را به روشنایی ترجیح می دادند. بنابراین شمعدان از بین رفته است - با کسانی که استقبال مینمایند. این به بهترین وجه در پرتو کلمات خطاب به کلیسای دوم در مکاشفه قابل درک است: اسمیرنا، همانطور که اکنون خواهیم دید.

پس از مدتی که در نامه به افسس پیشگویی شد، عیسی می گوید: «و به فرشته کلیسای اسمیرنا، بنویس: اولین و آخرین که کشته شد و دوباره زنده شد می گوید: من کارهای شما را می دانم و مصیبت و فقر (اما تو ثروتمندی) و کفرگویی کسانی که خود را یهودی می نامند و نیستند، بلکه کنیسه شیطان از هیچ یک از چیزهایی که متحمل رنج خواهی شد نترس. ببینید، شیطان برخی از آنها را خواهد انداخت شما در زندان هستید تا وسوسه شوید. و ده روز مصیبت خواهی داشت. تا حد مرگ وفادار باش و بده تاج زندگی را به تو خواهم داد.» (مکاشفه 2: 8-10)

ما همین الان دیدیم که، همانطور که پس از باز شدن مهر دوم آشکار شد، باید یک وجود داشته باشد بخش در وزارت فرشتگان 4. نامه به Smyrna روشن می کند که رهبران مؤمن، اقلیت، آنها برای به دست گرفتن شمعدان حقیقت در وزارتخانه رنج کشیدند. زیرا او «فرشته از کلیسا». آنها از آزمایشات سخت و فقر عبور می کردند، اما خدا آنها را «غنی در ایمان» می دانست: «می دانم اعمال و مصیبت و فقر تو (اما تو غنی هستی). همچنین مورد تهمت و تهمت قرار می گرفتند توسط همراهان خدمت خود مورد انتقاد قرار می گیرند، که با کلمات مسیح آشکار می شود: می دانم... کفر آنانی که می گویند یهودی هستند و نیستند، اما کنیسه شیطان هستند.

تمام اعضای وزارتخانه که صحنه های توصیف شده در این فصل را تجربه کرده اند، نمی توانند از آن فرار کنند

واقعیت سخنان مسیح آنها می دانند که درست هستند و به درستی اعمال می شوند،

منعکس کننده آنچه اتفاق افتاده است

کتاب مقدس می گوید: "آیا دو نفر می توانند با هم راه بروند اگر موافق نباشند؟" (عاموس 3:3)

کسانی که از وزارتخانه دیدن کردند و «چشم هایی برای دیدن» داشتند، قبلاً می توانستند این را ببینند

صفوف متحد نبود و تفرقه عمیق بود. جدایی که از قبل در جریان بود

در داخل وزارتخانه، این امر اجتناب ناپذیر بود. اقلیتی که همچنان پرچم حق و

او گهگاه نور جدیدی به قدردانی دیگران می آورد، در ابتدا به شکلی پنهان مورد آزار و اذیت قرار می گرفت.

سپس آشکارا مهر دوم آخرالزمان همه چیزهایی را که در آن ها با آن مواجه شده بود، خلاصه می کند

روز در این کلمات که به صورت مجازی فهمیده می شود: «داده شد که... اگر بعضی را بکشند

به دیگران» (مکاشفه 6:4)

عیسی در لوقا 12 تقسیم «دو بر سه» را پیش‌بینی کرده بود.

گسست در سال 2011 رخ داد و دو نفر از اعضای کمیسیون که طرفدار حقیقت و

آنها قصد داشتند در نور ادامه دهند، آنها را ترک کردند که بیشتر عاشق تاریکی بودند. در ابتدا، نه

آنها ایده تشکیل یک کلیسای جدید را داشتند. اما به زودی خداوند بر آنها تأثیر گذاشت که آنها نیاز دارند

به پیشبرد کار ادامه دهید. سپس، با تقویت مسیح عیسی، برخاستند و

وزارت فرشته چهارم - هشدار نهایی. بار دیگر، همانطور که بارها در سراسر این اتفاق افتاده است

تاریخ، عیسی کلیسایی را برپا کرد تا برای او باشد، تا هدفش را با کسانی که انجام دهند، برآورده کند

آنها می خواستند در نور بمانند.

در کلام نبوی به کلیسای اسمیرنا، ما شاهد تقسیم بدن به دو قسمت هستیم: یکی،

وفادار، که خداوند به آن می گوید: «اعمال و مصیبت شما را می دانم» و دیگری، «از کسانی که خود را یهودی می نامند و

آنها نیستند، بلکه کنیسه شیطان هستند.

عیسی به تهمت‌خوردگان و مصیبت‌دیدگان، از جمله نویسنده، این سخنان را خطاب کرد: «از هیچ چیز نترسید.

چیزهایی که باید تحمل کرد اینک شیطان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا وسوسه شوید.

و ده روز مصیبت خواهی داشت» (مکاشفه 2:10) وی با نشان دادن دقت برهان می افزاید:

"تا مرگ وفادار باش و من به تو رنگ زندگی خواهم داد."

هر کس که شخصاً کسانی را می شناسد که از ابتدا برای حقیقت موضع گرفته اند

تقسیم بندی در وزارتخانه، و شما از وضعیت خود آگاه هستید، می دانید که این سخنان به معنای واقعی کلمه بوده است

در تجربه شما محقق شد ما در یک زندان غیرمستقیم زندگی می کنیم. کلمات "ده روز" هستند

در نبوت نمادین، ده سال درک می شود (اعداد 14:34 را ببینید). سالهاست که هستیم

از دارایی های ما غارت شده، در پروژه های تجاری مختلف فریب خورده، با رقابت مواجه شده ایم

بی وفایی حتی از برادران سابق وزارتخانه، با از دست دادن دارایی های ما. حساب می کنیم

ده ها پروژه در نظر گرفته شد که به این دلایل یا دلایل دیگر موفق نشدند. بسیار متفاوت

رویدادهایی که تعدادی از آنها توسط کسانی که در آن کار می کردند به عنوان ماهیت ماوراء طبیعی شناخته شده اند

شرکت نویسنده، مکرراً از پیشرفت در مسیر شکوفایی جلوگیری کرد. از ژوئن

- 2008 اگر به درستی بفهمیم نقطه شروع شمارش چه بوده است - تا ژوئن 2018 جمع می شوند

10 سال مواجهه با تهمت، آزار، مخالفت های پنهان و آشکار و مانع پیشرفت توسط شیطان اداره می شود پس از اتمام دوره تعیین شده توسط مسیح، کلیسای واقعی باید وارد آن شود زمان مهر سوم این را در فصل بعدی خواهیم دید.

فصل 7

تجربه کلیسای جدید نبوت

«و چون مهر سوم را گشود، از وحش سوم شنیدم که گفت بیا و ببین. و من نگاه کردم، و اینک یک اسب سیاه، و کسی که روی آن نشسته بود فلس هایی در دست داشت. و من صدایی را در آن شنیدم در میان چهار حیوان که گفت: یک پیمان گندم به یک ریال و سه پیمان جو برای یک پول؛ و به روغن و شراب آسیبی نرسانید.» (مکاشفه 6:5، 6) بار دیگر افشاگری دو کلیسا را به تصویر می کشد: مادر و باقیمانده. مادر (وزارت 4 فرشته)، نمایندگی پی در پی توسط اسب هایی با رنگ متفاوت از مهر اول و بقیه (وزارت فرشته چهارم - هشدار نهایی)، متشکل از اقلیتی که با مصیبت روبرو هستند. یک اسب "سیاه" دیده می شود. کلیسای مادر که زمانی سفید و خالص بود، خلوص و درخشش خود را از دست داد. O سیاه، در کتاب مقدس، "عزا" را برای کسانی که می میرند، نشان می دهد: "خداوند خداوند چنین می گوید: در روزی که او من به جهنم فرود آمد، ماتم برپا کردم. من به خاطر تو پرتگاه را پوشاندم و تو را دریغ کردم نهرها و آبهای بسیار ساکن شدند. و لبنان را به خاطر او سیاه پوشاندم درختان صحرا به خاطر او غش کردند» (حزقی 31:15) نماد مناسب برای نماینده وزارتخانه ای است که اعضای آن روش های دنیا را جذب کرده و این عمل را کنار گذاشته اند چندین حقایق مربوط به اصلاحات و آموزش بهداشت کتاب مقدس، که شامل شکل گیری شخصیت کودکان آسیب ناشی از چنین طرد شدنی به وضوح احساس می شد توسط بسیاری از رهبران و اعضای آن. مسیح، که به عنوان شوالیه نشان داده شده بود، در دستانش ترازو داشت - نمادی از قضاوت. ایوب با توسل به قضای الهی گفت: «مرا در ترازوی وفادار بسنجید تا خدا ترازو مرا بداند. اخلاص» (ایوب 6:31) نجات دهنده ما به عنوان قاضی کلیسا ظاهر می شود که به میراث آن خیانت کرده است. با توجه به اینکه مکاشفه کتاب دانیال را آشکار می کند، شکل ترازو در دست مسیح کلیسای سیاه رنگ نشان می دهد که او را قضاوت می کند و او را مقصر اعلام می کند و پادشاهی او را می گیرد و دادن آن به دیگری این از خواندن دانیال به شرح زیر فهمیده می شود - به پادشاه مغرور بابل اعلام شد: «تفسیر آن این است: MENE: خدا پادشاهی تو را شمرده و او تمام کرد. TEQUEL: تو را در ترازو وزن کردند و فقیر یافتی. PERU: تقسیم شد پادشاهی، و به مادها و ایرانیان داده شد. در آن شب، بلشصر، پادشاه کلدانیان، کشته شد. و داریوش ترس، پادشاهی را اشغال کرد» (دان. 5: 27-31).

در روزگار ما هم همین اتفاق افتاد. در حالی که 4 فرشته وزارت وزن شد و در پیدا شد
فقدان، پادشاهی خدا از او گرفته شد و به دیگران داده شد، آنها با نور دنبال کردند: وزارت چهارم
فرشته - هشدار نهایی. همانطور که کتاب مقدس می گوید: «آنچه بود، همان خواهد شد. و چه اتفاقی افتاد، آن
انجام خواهد شد؛ به طوری که هیچ چیز جدیدی در زیر آفتاب وجود ندارد. آیا چیزی هست که بتوانید بگویید: ببینید،
آیا این جدید است؟ در قرون گذشته بود که قبل از ما بود.» (جامعه. 10، 9:1)
شواهد اضافی در متن مهر سوم وجود دارد که وزارت فرشته چهارم -
هشدار نهایی، در نبوت نشان داده شده است. چیز آشکار این است که صدای مسیح را بشنویم که «از وسط می آید
از چهار حیوان که گفت: یک پیمانہ گندم به یک دینار، و سه پیمانہ جو به یک دینار.
یک دینار؛ و به روغن و شراب آسیب نرسانید» (مکاشفه. 6: 6) دینار حقوقی بود که به آن پرداخت می شد
کارگر برای یک روز کار بخش های نشان داده شده نشان دهنده مقدار استفاده شده برای
روز، در غذا بنابراین، کسب یک دینار در روز به معنای کار کردن برای خوردن بود. یا، گفت
در غیر این صورت، درآمد برای پوشش هزینه های ضروری کافی بود. رهبران وزارتخانه
آنها می دانند که این کلمات به ویژه برای آنها قابل استفاده است. ده روز نبوی اشاره شده در
زمان مهر دوم و کلیسای دوم (مکاشفه. 2:10) همانطور که ما آن را درک می کنیم، از آغاز شد
نقطه عطف تقسیم در وزارتخانه، که با رونمایی این دو کتاب در ژوئن/ژوئیه رخ داد.
2008 و ما را به ژوئن/ژوئیه 2018 برد. از آن زمان، کسانی که این کار را رهبری می کنند
به خصوص این تجربه را زندگی کردم.
صدای عیسی که زمان سختی را برای بندگانش در مهر سوم اعلام می کند
نشان می دهد که بخشی از برنامه خدا این است که به مردمش تجربه پولس را بدهد: "من می دانم چگونه باید سرنگون شوم، و
من همچنین می دانم چگونه فراوانی داشته باشم. از هر جهت و در همه چیز به من دستور داده شده است که هر دو را داشته باشم
فراوان، مانند گرسنگی؛ هم فراوانی داشته باشیم و هم از فقر رنج ببریم» (فیلیسیان. 4:12)
در این مرحله باید توجه داشت که هیچ کدام از ما کشیش ها دلیلی نداریم
یا عضوی از این وزارتخانه جدید که چنین میراث والایی را به ارث برده است، خود را تعالی می بخشد. خب، همانطور که دیدیم
اینجا، مردان، تا آنجا که به خود افتخار می کردند گذشت. فقط مسیح می تواند تشکیل دهد،
حضور او، یک کلیسای واقعی. و شرایط یک کلیسای واقعی فقط می تواند حفظ شود
هنگامی که رهبران آن با ایمان، مطیع، مطیع و فرمانبردار در ارتباط نزدیک با او باقی بمانند
به خواست او ما در خودمان چیزی نیستیم. در ما چیزی نیست که بخواهیم به آن بیاییم. ما خیلی هستیم
ناقص «خداوند چیزهای رذیله و پست و حقیر و غیر آن را برای نابودی برگزید.
آنهايي که هستند؛ تا هیچ جسمی در حضور او فخر نکند.» (اول قرنتیان. 29، 28:1) «این چیزی است که خداوند می گوید:
عاقل به حکمت خود فخر نکند و قوی به قدرت خود فخر نکند. نگذارید ثروتمندان به خود ببالند
ثروت او، اما هر که فخر می کند، به این فخر می کند که مرا می فهمد و می شناسد، که من هستم
پروردگاری که احسان و قضاوت و عدالت را در زمین انجام می دهد. زیرا من از این چیزها لذت می برم
آقا". (ارم. 24، 23:9)

نامه به کلیسای سوم، که مربوط به دوره مهر سوم است، تشکیل می دهد

هشدار اضافی برای ما: «به فرشته کلیسای پرگام بنویس: کسی که می گوید

شمشیر دو لبه نیز دارد: من کارهای تو را می دانم و در کجا ساکن می شوی، جایی که تاج و تخت شیطان؛ و نام من را محکم نگه داشتی و ایمانم را انکار نکردی... اما من چند چیز مخالف دارم شما، زیرا در آنجا کسانی دارید که از آموزه بلعام پیروی می کنند، کسانی که به بلاک یاد دادند که سنگ های مانع بیاندازد.

پیش بنی اسرائیل تا قربانی بت پرستی بخورند و زنا کنند. (Apoc. 2:12-14).
نخواهید داشت» (خروج، 20:3)

در معنای معنوی آن، معنای بسیار گسترده ای دارد. شامل هر تمرین، عادت، شخص یا شیئی که نسبت به خدا محبت بیشتری نسبت به آن داریم. همه را تشویق می کند که خداوند را دوست داشته باشند خدا با تمام قلب، روح و قدرت خود (تثنیه 5:6) در مورد ما اعمال می شود، آن را می طلبد تقدیس کامل به مسیح و در خدمت او.

ما در آخرین روزهای تاریخ این زمین زندگی می کنیم. ما آخرین نسل از مؤمنان زنده هستیم - کسی که مسیح را در حال بازگشت در ابرهای آسمان خواهد دید. نه تنها خودمان آسمانی برای آن داریم برنده شدن جهنمی است که باید از آن اجتناب کرد. باری بر دوش ما می افتد که به جهان هشدار دهیم و نور را به اشتراک بگذاریم که با لطف خدا به ما عطا شد. هیچ زمانی برای تلف کردن وجود ندارد. یا خواهیم بود تماماً از خداست، وگرنه دنیا ما را جذب خواهد کرد.

در بازگشت به پیام به کلیسا، خاطرنشان می شود که تأکید ویژه ای بر خطر دیگری شده است با تعالیم بلعام: «فَسَتَعْرَوْنَ». هر جا که می رویم حس گرایی آشکار می شود.

فقط مسیح می تواند ما را از این که در برابر این همه انحراف، مراقب خودمان باشیم، نجات دهد اجازه دهید آنچه را که در نظر خدا قابل قبول نیست، "عادی" درک کنیم و خودمان به این موضوع نیتیم در وسوسه و گناه ما باید تا حد امکان از ورودی های روح محافظت کنیم. بگو خداوند: «چشم مرا از دیدن باطل برگردان و مرا در راه خود زنده کن» (مزمور 119:37) در همین راستا، پوشاندن مناسب بدن وظیفه ای است که در فرمان خداوند مستتر است: "زنا نکنید" (خروج، 20:14) ما باید لباس مناسب بپوشیم و به کسی ندهیم فرصتی است که در این مورد به ما بد فکر کند.

هنگامی که خواندن مهرها را دنبال می کنید، می بینید که آزمایش های وحشتناکی در انتظار کلیسای خدا است: "و وقتی مهر چهارم را باز کردم، صدای وحش چهارم را شنیدم که می گفت: بیا و ببین. و من نگاه کردم، و اینک یک اسب رنگ پریده، و کسی که بر آن نشسته بود مرگ نام داشت. و جهنم به دنبال او آمد. این است به آنها قدرت داده شد تا چهارم زمین را با شمشیر و قحطی و طاعون بکشند.

جانوران زمین» (مکاشفه 8، 7، 6) اسب رنگ پریده نمایانگر کلیسای مادری است که در این مرحله خواهد داشت رهبر تغییر کرد نام "مرگ" که به سوار آن داده شده است. به اندازه کافی نشان دهنده "کسی است که آن را داشت."

امپراتوری مرگ، یعنی شیطان» (عبرانیان 2:14) نام «شیطان» بر توانایی شیطان تأکید دارد پشم را روی چشم ها بکشید پولس تیموتائوس را ترغیب می کند که کار کند تا ایمانداران بدانند و اطاعت کنند "حقیقت... رهایی از بندهای شیطان" (دوم تیم. 26، 25:2) نماد شوالیه از مهر چهارم نشان می دهد که شیطان کلیسایی را که در آن نشان داده شده است فریب خواهد داد. اعضای آن آنها به نام دین، بندگان واقعی خدا را مورد آزار و اذیت قرار خواهند داد و با آنها همکاری خواهند کرد.

هنوز هم می توان در مورد انطباق با مهر و موم های باقی مانده و مربوط به آنها صحبت کرد
نامه به کلیساها با این حال، با توجه به سناریوی وحشتناکی که به زودی رخ خواهد داد، احتیاط
تعیین می کند که اینجا به پایان می رسد. هدف این کتاب این است که به خواننده این امکان را بدهد
دنبال کردن ریسمان طلایی الهی در طول قرن ها، شناسایی آنچه، امروز، حقیقت است
کلیسای خدا روی زمین، که به عنوان تحقق پیشگویی کتاب مقدس ظهور کرد. وحی آشکار در
فصل های این کتاب شواهد کافی برای متقاعد کردن صادقان به ارمغان می آورد.
مکاشفه قدیسان روزهای آخر را کسانی معرفی می کند که «حفظ می کنند»
احکام خدا و ایمان عیسی». (Apoc. 14:12) و همچنین «شهادت عیسی را داشته باشید که
این روح نبوت است» (مکاشفه. 12:17؛ 19:10). همه را به ترک جماعت های سقوط کرده دعوت می کند
خود را با کلیسای حقیقی با این جمله متحد کنند: «ای قوم من، از او بیرون آید، مبادا در آن شریک شوید.
از گناهانشان، و مبادا بلاهایشان را دریافت کنید. زیرا گناهان شما از قبل وجود دارد
تا آسمان جمع شد و خدا گناهان او را به یاد آورد» (مکاشفه. 5، 18:4 آرزوی خالصانه
از بهشت و ما، به عنوان یک کلیسا، این است که با توجه به تمام شواهد ارائه شده، شما تصمیم بگیرید
عاقلانه، پیوستن به کلیسای واقعی در تلاش برای راست نگه داشتن معیار حقیقت. آمین

فصل 8

به طور خلاصه ...

از زمانی که خدا انسان را آفرید، تنها یک و تنها یک کلیسای واقعی در آن وجود داشته است
هر نسل اما همانطور که رهبران کلیسا در زمان های مختلف خود را از خدا بیگانه کرده اند، او،
او چندین بار دیگران را بزرگ کرد که کلیسایی را تشکیل دادند که جانشین کلیسای مرتد قبلی شد.
بنابراین، یک خط متوالی از کلیساها وجود داشت. این بدون وقفه بود و تمام داستان را طی می کرد.
کلیسای واقعی دارای ویژگی های متمایزی است که عبارتند از:

-احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ کنید. (Apoc. 14:12)

-دارای «روح نبوت» است که شامل وجود پیامبران خدا در میان اعضای آن و نیز می شود

نوری بر پیشگویی های کتاب مقدس داشته باشند تا در زمان خود محقق شوند. (Apoc. 12:17;19:10)

-زمان و شرایط ظهور آن در نبوت کتاب مقدس اشاره شده است (مانند: حز. 27-25-21

و. 25؛ 24:19 اعمال رسولان 4-1؛ 8: کشیش 5، 4:2

با دانستن ویژگی‌های آن، ما می‌توانیم آن را در هر زمان شناسایی کنیم. خط جانشینی کلیسای واقعی، متشکل از کلیساهایی که توسط خدا به عنوان مورد احترام قرار گرفته‌اند امانتداران نور کلام او در زمان خود، «نخ طلایی» خدا را برای در طول قرن‌ها، نمودار زیر آنها را با نام خود یا نماینده تعیین شده نشان می‌دهد در کتاب مقدس برخی از تاریخ‌های قدیمی‌تر (تا اسرائیل) تقریبی هستند:

O fio de ouro ao longo dos séculos



کلیسایی که امروز کلیسای واقعی است، خدمت فرشته چهارم است - هشدار نهایی. با این حال، تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که کشیشان و اعضای آن چیزی برای مباحث ندارند. در عوض، آنها باید به مسیر فعلی خود ادامه دهند و به دنبال جلال دادن به خدا در زندگی خود باشند. در برابر او فروتنی کنند، اطاعت کنند، به جهان موعظه کنند، مصائب مسیح را تحمل کنند و ایمان داشتن به او زیرا هرگاه رهبران جلال خدا را از دست داده و خود را متعالی کرده‌اند و نظرات آنها در پرتو جرقه‌هایی که خودشان روشن کردند رها شد. و شمع‌دان الهی حقیقت از آنها گرفته شد و به حقیرانی که با شادی خود را تسلیم خدا کردند و برآورده شدند، داده شد اراده شما همینطور بود، هست و همیشه خواهد بود. بنابراین، «خداوند چنین می‌گوید: مرد عاقل فخر نکند دانایی او و قوی نگذار به قدرت خود فخر بفروشد. ثروتمند به ثروت خود مباحث نکند، بلکه کسی که اگر می‌باید، در این فخر کنید: در درک من و شناختن من، که من خداوند هستم که انجام می‌دهم احسان، قضاوت و عدالت روی زمین؛ خداوند می‌گوید، زیرا من از این چیزها لذت می‌برم» (ارم. 9:23، 24). «اکنون به کسی که قادر است بیش از همه چیز را انجام دهد»

ما از طریق عیسی مسیح، طبق قدرتی که در درون ما کار می کند، به آن جلال در کلیسا می خواهیم یا فکر می کنیم، در همه نسل ها، برای همیشه و همیشه. آمین!" (افس. 21، 20:3 آری «به آن که می نشیند بر تخت و بره شکرگزاری و افتخار و جلال و قدرت به همه داده شود همیشه» (مکاشفه 5:13) و باشد که اعضا و همه کسانی که می آیند تا به این حقیر بیوندند تا زمان بازگشت شکوهمند خداوند ما عیسی مسیح به این کار ادامه دهید. این است آرزوی خالصانه ما آمین! خدا تو را حفظ کند.

ضمیمه

پیام بر اساس عزرا: 7 اعلام داوری زندگان

...ساعت داوری فرا رسیده است ... زندگان

خداوند عیسی به ما توصیه می کند:

«کتاب مقدس را جستجو کنید، زیرا در آنها فکر می کنید که حیات جاودانی دارید، و خود آنها درباره من شهادت می دهند.» یوحنا 5:39

عیسی گفت که کتاب مقدس بر او شهادت می دهد. این بدان معنی است که تمام داستان های کتاب مقدس، از پیدایش تا مکاشفه، بخشی از کار او را به نفع انسان ها در طرح رستگاری آشکار می کنند. در هر یک از آنها شخصیتی را خواهیم یافت که داستانش نوعی یا شخصیت مسیح است. تمام کتاب مقدس شخص مسیح و کار او را آشکار می کند. با در نظر گرفتن این موضوع، بیاید فصل 7 کتاب عزرا را بخوانیم، و بیاید به دنبال درک بخشی از مأموریت مسیح باشیم که در آنجا نمونه ای است:

«پس از این امور، در سلطنت اردشیر شاه پارس، عزرا پسر سراپا، پسر عزاریا، پسر حلقیا... پسر ابیشوا، پسر فینحاس، پسر العازار، پسر هارون کاهن اعظم، این عزرا از بابل آمد.» عزرا 5: 1-7

عزرا از نوادگان هارون بود که اولین کاهن اعظم در گذشته بود. هارون نماینده کاهن اعظم واقعی - عیسی مسیح بود. از آنجا که از نوادگان مستقیم هارون بود، از تبار کاهنان اعظم بود و به این ترتیب نماینده مسیح در کارش به عنوان کاهن اعظم است.

در مورد عزرا نیز آمده است:

«او کاتبی بود که به شریعت موسی که خداوند، خدای اسرائیل عطا کرده بود، آگاه بود. و برحسب دست نیک یهوه خدایش که بر او بود، پادشاه هر چه از او خواست به او عطا کرد...»

زیرا عزرا قلب خود را در طلب شریعت خداوند و انجام آن و تعلیم فرایض و احکام او در اسرائیل قرار داده بود.» عزرا 10، 6: 7

عزرا قلب خود را در جست و جوی شریعت و اجرای آن و تعلیم آن گذاشته بود. این کار نیز نوعی از کار عیسی مسیح است که شریعت خدا (ده فرمان) را به انجام رساند و امروز سعی می کند در کار خود به عنوان کاهن اعظم به ما بیاموزد که چگونه آن را انجام دهیم. در آیه 11 می خوانیم:

"این رونوشت نامه ای است که اردشیر شاه به عزرا کاهن، کاتب کلمات و احکام و فرایض خداوند در مورد اسرائیل داد:" عزرا 7:11

عزرا نامه ای از شاه اردشیر دریافت کرد. اگر او نماینده عیسی است، اردشیر شاه نماینده کیست، و نامه ای که به عزرا داد به چه معناست؟ بیایید آیه 12 را بخوانیم تا بفهمیم:

«آرتشیر، پادشاه پادشاهان، به عزرا، کاهن، کاتب شریعت خدای آسمان: صلح کامل!»
عزرا 7:12

در ابتدای نامه، شاه خود را با عنوان «شاه شاهان» معرفی می کند. بر اساس کتاب مقدس چه کسی عنوان پادشاه پادشاهان را دارد؟ بیایید در اول تیموتائوس 16، 15:6 بخوانیم:

«پادشاه پادشاهان و پروردگار اربابان. او که تنها دارای جاودانگی است، که در نور غیر قابل دسترس ساکن است، که هیچ کس او را ندیده است.» اول تیموتائوس 16، 15:6

پادشاه پادشاهان کسی است که "هیچ کس او را ندیده است." عیسی هنگامی که روی زمین بود توسط بسیاری دیده شد، و پولس رسول و چند نفر دیگر پس از عروج او به آسمان. پس این پادشاه پادشاهان در داستان عزرا، اردشیر نماینده خدای پدر است، فرمان، نامه ای که به عزرا داد، سپس بیانگر حکمی است که خدای پدر به عیسی می دهد. این فرمان چه می گوید؟ عزرا 7:13 را بخوانیم:

«از سوی من حکم شده است که در پادشاهی من، هر که از قوم اسرائیل و کاهنان و لایوان آنها بخواهد با شما به اورشلیم برود، باید برود.»
عزرا 7:13

خداوند می فرماید هرکس از قوم اسرائیل که می خواهد با عیسی به اورشلیم برود باید برود. اسرائیل خدا امروز کیست؟ پولس در رومیان 6 و 9:8 می گوید:

«و گمان نکنیم که کلام خدا شکست خورده است، زیرا همه اسرائیل در واقع بنی اسرائیل نیستند... یعنی این بنی خدا دقیقاً همان فرزندان جسم نیستند، بلکه فرزندان جسم باید باشند. از اولاد محسوب شوند. رومیان 8، 9:6»

بنی اسرائیل کسانی هستند که به کلام خدا به عنوان قدرتی برای انجام آنچه می گوید ایمان دارند. آنها کسانی هستند که خدا را به کلامش می پذیرند و معتقدند، مثلاً، وقتی خدا گفت «نور باشد»، در واقع نور وجود داشته است. و اینکه وقتی می گوید: «خدای واحد است، پدر» (اول قرنیتیان، 6: 8) واقعاً می گوید که او یک شخص است، پدر. آنها کسانی هستند که معتقدند، وقتی خدا می گوید: «به یاد داشته باشید. از روز سبت، تا آن را مقدس نگه دارند» (Ex. 20:8) این کلمات دارای قدرت خداوند است که توسط عیسی عطا شده است تا مردی که به آنها ایمان دارد را به نگاهی سبت تبدیل کند، و بنابراین آنها را حفظ می کنند. سبت با ایمان

خداوند در فرمانی که به عیسی کاهن اعظم داد، فرمود که هر که می خواهد با او به اورشلیم برود، بگذار برود. طبق تاریخ، او برای اطاعت از فرمان پادشاه پادشاهان، برای رفتن به اورشلیم کجا را ترک می کند؟ اجازه دهید در عزرا 9:7 بخوانیم:

«...از بابل رفت و... به اورشلیم رسید» عزرا 9:7

عزرا بابل را ترک کرد. این نشان می دهد که مسیح، کاهن اعظم ما، از "پادشاه پادشاهان"، از خدای پدر، دستور دریافت می کند تا مردم را در سفر از بابل به اورشلیم راهنمایی کند. در گذشته،

بابل ملتی بت پرست، پرستنده خدای دروغین، تثلیث بود. مال او بود پادشاه مغروری که گفت:

«آیا این بابل بزرگی نیست که برای خاندان سلطنتی، با قدرت عظیم خود و برای جلال عظمت خود ساختم؟» دانیال. 4:30

پادشاه مغرور نبوکدنصر نماد غرور، عشق به "خود" بود که در میان بابلیان وجود داشت. با اعمال این داستان در روزگار ما، می‌بینیم که عیسی، که عزرا نمونه‌ای از او بود، از خدا دستور می‌گیرد تا هرکسی را که می‌خواهد هدایت کند تا پرستش «تثلیث» را که یک آموزه بابلی است، کنار بگذارد و «خود» را کاملاً رها کند. به وضعیت معنوی یکی از ساکنان اورشلیم برسند. عیسی مأموریت دارد که افرادی مانند ما را به سمت ترک ایمان به خدای دروغین، تثلیث و همچنین کل «خود» سوق دهد تا ساکنان اورشلیم خدا در نظر گرفته شوند.

پولس گفت که آنها از اورشلیم، شهر آسمانی بودند، کسانی که از بردگی گناه توسط مسیح آزاد شدند، و تمام آموزه‌های بت پرستی و همچنین تمام خود را رها کردند، به طوری که عیسی در قلب آنها سلطنت کرد:

"اما اورشلیم بالا آزاد است (آزاد از بردگی گناه، مرده برای خود) که مادر ماست... و بنابراین ای برادران، ما فرزندان آزاده هستیم." غلاطیان. 31، 4:26

در فرمان ارائه شده در عزرا 7، خدا، پدر، به عیسی، که عزرا نمونه او بود، دستور می‌دهد که کسانی را که مایلند از وضعیت روحانی بابل به وضعیت روحانی اورشلیم ببرند. و خداوند در نامه می‌فرماید: «هر که می‌خواهد با تو به اورشلیم برود، بگذار برود» عزرا 7:13 هر کسی که بخواهد می‌تواند از عیسی، کاهن اعظم ما پیروی کند، و به او اجازه دهیم آموزه بابلی "تثلیث" را از ذهن ما حذف کند، و خود را کاملاً به او تسلیم کنیم، و توسط او از بردگی گناه آزاد شویم. خدا چه چیز دیگری را در این دستور از عزرا 7 حکم می‌کند که عیسی انجام دهد؟

اجازه دهید در عزرا 7:14 بخوانیم:

«زیرا پادشاه و هفت مشاور او به شما دستور داده‌اند که بر اساس شریعت خدایان که در دست شماست درباره یهودا و اورشلیم تحقیق کنید» عزرا 7:14.

خدا به عیسی به نمایندگی عزرا دستور می‌دهد که تحقیق، یعنی تحقیق را انجام دهد. آیا این ما را به یاد چیزی می‌اندازد؟ عیسی، به عنوان کاهن اعظم، از سال 1844 تحقیقی را در کتابهای همه افرادی که روزی او را پذیرفتند، انجام داده است و هر یک از آنها بر اساس اعمالشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند. می‌دانیم که داوری با مردگان عادل آغاز شد. با این حال، در مقطعی به سراغ موارد زندگان می‌رود.

در این فرمان عزرا 7 دستور بررسی موارد زندگی به او داده شده است.

یا مرده؟ بیایید در آیات 25 و 26 بخوانیم:

«تو ای عزرا، برحسب حکمت خدای خود که داری، قاضیان و قضات تعیین کن تا همه مردم آن سوی فرات را داوری کنند، همه کسانی که قوانین خدای تو را می‌دانند، و کسانی که آنها را نمی‌دانند و اجازه می‌دهند. دانستن هر کس شریعت خدای تو و قانون پادشاه را رعایت نکند به مرگ یا تبعید یا مصادره اموال و یا به حبس محکوم شود.» عزرا 26، 7:25

این متن نشان می‌دهد که عزرا دستور داده شده است که در مورد کسانی که شریعت را می‌دانند، قضاوت کند و قوانین پادشاه را به کسانی که آنها را نمی‌دانند، «اعلام کند». از آنجایی که کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که مردگان هیچ چیز نمی‌دانند و هیچ نقشی در آنچه زیر خورشید انجام می‌شود ندارند (جامعه، 9:5) می‌بینیم که دستور داده شده در عزرا 7 درباره افرادی است که زنده هستند. این دستوری است که عیسی درباره زنده‌ها قضاوت کند. سپس می‌فهمیم که، در این فرمان، دستوری از سوی خدای پدر برای وادار کردن عیسی به داوری اعضای قوم خدا، در مورد اسرائیل امروزی خدا، که زنده هستند، در بهشت نشان داده شده است. به عبارت دیگر، حکم این است که عیسی قضاوت زندگان را آغاز کند.

این حکم در بهشت چه زمانی صادر می شود؟ مطمئناً مهم است که به این سؤال پاسخ دهیم، زیرا در این قضاوت پرونده ما برای همیشه تعیین می شود. پولس به ما می فهماند که کسانی که کلام خدا را مطالعه و اطاعت می کنند، خواهند دانست که زمان داوری زندگان چه زمانی فرا خواهد رسید، همانطور که می گوید: «اما شما دیگر در تاریکی نیستید که آن روز مانند روزی بر شما بیاید. دزد» (I Thess. 5:4).

عزرا 9، 8: 7 را بخوانید:

«عزرا در ماه پنجم در سال هفتم این پادشاه به اورشلیم آمد. زیرا در روز اول ماه اول از بابل خارج شد و در روز اول ماه پنجم برحسب دست نیک خدایش بر او به اورشلیم آمد.» عزرا 9، 7: 8

عزرا اورشلیم را در اجرای این دستور در سال هفتم پادشاه اردشیر (خدای پدر) ترک کرد. در سال «هفتم»، خداوند به عیسی دستور می دهد که بررسی پرونده های زنده ها را آغاز کند. امسال چیست؟ خداوند کسی است که از ابدیت سلطنت می کند و تا ابد سلطنت خواهد کرد. بنابراین، برای ما معنی ندارد که بفهمیم سال هفتم خداوند با سال هفتم آغاز سلطنت او مطابقت دارد. پس چگونه می توانیم بفهمیم که سال «هفتم» برای خدا چیست؟ کتاب مقدس در مورد حکومت خدا می گوید:

ابرها و تاریکی ها او را احاطه کرده اند، عدالت و داوری پایه تاج و تخت اوست. مزامیر 2: 97 عرش، یعنی حکومت خدا، مبتنی بر عدالت و قضاوت است. عدالت چیست؟ در مزمور 119: 172 می بینیم: «تمام احکام او عدالت است.» خداوند از طریق شریعت خود بر جهان هستی حکومت می کند. به همین دلیل است که کتاب مقدس می گوید که عدالت و داوری اساس تاج و تخت او است. بنابراین، سال هفتم خدا را باید در شریعت او یافت.

وقتی ده فرمان را می خوانیم، به معنای واقعی کلمه به سال هفتم اشاره نمی کنیم. با این حال، ما به "روز هفتم" استراحت اشاره می کنیم. و برای خدا، یک روز نبوی نیز معادل یک سال است، همانطور که نوشته شده است: "هر روز نشان دهنده یک سال است" (اعداد 14: 34). بنابراین، مفهوم سال هفتم، یا سال تعطیل، در قانون ده فرمان ضمنی است. و هنگامی که کتاب تثنیه را که شرح مفصلی از احکام شریعت است مطالعه می کنیم، می بینیم که در آنجا خداوند سال هفتم را به عنوان سال سبت معرفی می کند: «در سال هفتم، سبت استراحت بزرگی خواهد بود. زمین، سبت برای خداوند. مزرعه خود را نکارید و تاکستان خود را هرس نکنید.» لاویان 25: 4

خداوند فرمود که در سال عبادت نیز کار دیگری انجام شود و این مربوط به موضوع مطالعه ما است:

"در پایان هر هفت سال، شما به بهبودی خواهید رسید. پس راه استغفار این است: هر طلبکاری که چیزی به همسایه خود قرض داده، آنچه را که قرض داده است پس خواهد داد. او آن را از همسایه یا برادر خود مطالبه نخواهد کرد، زیرا بخشش خداوند اعلام شده است.

شما می توانید آن را از یک غریبه مطالبه کنید، اما هر چه در اختیار برادران دارید، پس می دهید... وقتی یکی از برادران شما، مرد یا زن عبری، به شما فروخته می شود، شش سال به شما خدمت می کند، اما در هفتم، او را آزاد خواهید کرد.» تثنیه 15: 3-12

خداوند مقرر کرده است که در سال استغاثه دو چیز اتفاق بیفتد:

- 1 این که بدهی های اعضای قوم اسرائیل بخشیده شد.
- 2 اینکه کسانی از قوم اسرائیل که برده بودند آزاد شدند.

با درک این دو ویژگی، می توانیم تعیین کنیم که سال تعطیلی در گذشته چه زمانی رخ داده است، و به این ترتیب بدانیم که سال هفتم در زمان ما چه زمانی است، سالی که در آن حکم برای شروع قضاوت زندگان صادر می شود. در کتاب لوقا، باب 4، اشاره ای به سال سبت، سالی که در آن به اسیران قوم اسرائیل اعلام آزادی می شود، می یابیم:

«پس از رفتن به ناصره، جایی که در آنجا بزرگ شد، یک روز شنبه طبق عادت خود وارد کنیسه شد و به خواندن برخاست.

71 آنگاه کتاب اشعیاى نبى را به او دادند، و کتاب را باز کرد، جایی را یافت که در آن نوشته شده بود:

18 روح خداوند بر من است، زیرا او مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاده است تا اسیران را آزاد کنم و نایبانیان را بازیابی کنم و مظلومان را آزاد کنم.

19 و سال مقبول خداوند را اعلام کنید.

20 پس از بستن کتاب، آن را به خدمتکار پس داد و نشست، و همه در کنیسه چشمان خود را به او دوخته بودند.

12 سپس عیسی به آنها گفت: امروز در شنیدن شما کتاب مقدس تحقق یافته است. لوقا 4:16-21

عیسی، در روزی که در متن بالا ذکر شد، پیشگویی را خواند که می‌گفت: «روح خداوند... مرا مسح کرد... تا اسیران را آزاد کنم». این اثر با سال تعطیلی، سال هفتم، پیش‌بینی شد. سپس عیسی گفت: «امروز این پیشگویی محقق شد.» آن سالی که عیسی متن اشعیا را خواند، سال تعطیلی بود، سال هفتم.

سالی که حضرت عیسی فرمود: «امروز این نبوت برآورده شد»، سال تعطیلی بود که در سال 26 شروع شد و در سال 27 بعد از میلاد به پایان رسید. هر هفت سال یکبار تا زمانی که به زمان خود برسیم. سپس به این نتیجه رسیدیم که یک سال تعطیلی در سال 2000 شروع شد و در سال 2001 به پایان رسید و سال‌های دیگر به ترتیب در سال‌های 2007-2008 و 2014-2015 برگزار شد.

همانطور که از نبوت دیدیم، در سال هفتم است که خداوند به عیسی دستور داد تا داوری زندگان را آغاز کند. اما در کدام سال تعطیلی این اتفاق می‌افتد؟ برای دانستن، فقط به یاد داشته باشید که تاریخ تکرار می‌شود: «آنچه بود، همین خواهد بود. و آنچه انجام شده است، دوباره انجام خواهد شد. به طوری که زیر آفتاب چیز جدیدی نیست» (جامعه 9: 1). یهودیان مخزن حقیقت سبت بودند. با فرمان اردشیر، یهودیان اجازه یافتند که به اورشلیم بازگردند و ده فرمان خدا را حفظ کنند و پرستش واقعی را دوباره برقرار کنند:

«از جانب من مقرر شده است که در پادشاهی من هر یک از قوم اسرائیل و کاهنان و لویان آنها که می‌خواهند با شما به اورشلیم بروند، بر اساس حکمت خدای شما که دارید، بروند. قضاوت و قضاوت را تعیین کن تا در مورد همه مردم آن سوی رودخانه و برای همه کسانی که قوانین خدای تو را می‌دانند قضاوت کنند. و هر که آنها را نشناسد، تو به آنها آموزش خواهی داد. و هر که شریعت خدای تو و شریعت پادشاه را رعایت نکند، به زودی داوری شود.» عزرا 7: 14، 25، 26

این در عمل به معنای برقراری مجدد پرستش واقعی بود. یهودیان یکتاپرستی را در کتاب مقدس آموختند، و خدای یکتا، پدر را پرستش کردند، چنانکه نوشته شده است: «به اسرائیل بشنو، یهوه خدای ما یکی است» (تثنیه 6:4)

در زمان حاضر، تاریخ باید خود را تکرار کند: مردمی که به عنوان نگهبانان سبت شناخته می‌شوند، فراخوانده می‌شوند تا از طریق عیسی خدای واقعی را پرستش کنند. به تبعیت از آنچه عزرا در گذشته انجام داد، او «قاضیان و داوران» را، واعظان انجیل در زمان حال منصوب کرد، تا همه «قوانین خدا» را بدانند. و کسانی که نمی‌دانند، "به آنها آموزش داده می‌شود". در دهه‌های اخیر، یهودیان بیشتر از ادونتیس‌های روز هفتم بوده‌اند که به بزرگترین گروه نگهبانان سبت روی زمین تبدیل شده‌اند. سپس، مانند گذشته، از میان آنها باید بندگان خدا برخاستند که توسط مسیح مأمور شده بودند تا به جهان بیاموزند که به یکتاپرستی - به پرستش پدر به عنوان خدای یگانه - بازگردند. همانطور که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد: "اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر." (اول قرنتیان، 8:6)

ادونتیس‌های روز هفتم، اگرچه در ابتدا یکتاپرست بودند، اما بعدها، در سال 1931 تثلیث را در اعتقادات خود گنجانیدند. این را به راحتی با خواندن کتاب سال فرقه ثابت می‌کند. با این حال، 70 سال بعد، در سال 2001، خداوند قیام را در چندین بخش از کشور ترویج کرد.

جهانی، جایی که اعضای فرقه پرستش دروغین را شکستند و نیاز به بازگرداندن پرستش به خدای یگانه، پدر را اعلام کردند. این سال به نقطه عطفی تاریخی برای همه کسانی تبدیل شد که با لمس خدا این تجربه را تجربه کردند. آنچه در کتاب عزرا از پیش ترسیم شده بود تحقق یافت - زیرا همانطور که دیدیم سالهای 2001 - 2000 یک سال تعطیل بود. آنها با تأکید بر پرستش واقعی، پیام را موعظه کردند. اما شامل اعلام فرا رسیدن قضاوت می شد:

«از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید» (مکاشفه. 7: 14)

این پیام تا به امروز تکرار می شود. «و داوری این است که نور به جهان آمد و مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست داشتند، زیرا اعمالشان بد بود» (یوحنا. 3:19) بنابراین، زندگان از قبل مورد قضاوت قرار می گیرند. سرنوشت هرکس با قبول یا رد این پیام رقم می خورد.

سال تعطیل سالی بود که در آن بدهی ها دور ریخته شد و برای همیشه بخشیده شد. این کار بخشش، در سال هفتم، نشان دهنده بخشش واقعی است که در بهشت انجام شده است. بدهی واقعی بدهی گناه است. زیرا در رومیان 6:23 می خوانیم: "مزد گناه مرگ است." وقتی مسیح پرونده شما را تجزیه و تحلیل می کند، یا می تواند گناهان شما را برای همیشه پاک کند یا حکم مرگ ابدی را صادر می کند. عیسی وقتی کتابش بررسی شود چه خواهد گفت؟ باشد که وقتی ناممان بگذرد مورد تایید قرار بگیریم و به توصیه جیمز توجه کنیم:

«پس خود را تسلیم خدا کنید. اما در برابر شیطان مقاومت کنید و او از شما فرار خواهد کرد. به خدا نزدیک شوید تا او نیز به شما نزدیک شود. ای گناهکاران دست های خود را پاک کنید. و شما که دو دل هستید، دلهای خود را پاک کنید. اندوهگین، ناله و گریه. بگذارید خنده شما به گریه و شادی شما به اندوه تبدیل شود. در حضور خداوند فروتن شوید و او شما را سرافراز خواهد کرد.» یعقوب. 10-7: 4

باشد که همه ما به این توصیه توجه کنیم تا در قضای الهی مورد تایید قرار بگیریم.
آمین

آیا می خواهید در مورد چگونگی تیرنه شدن در قضاوت زندگان و نجات روح خود بیشتر بدانید؟ وارد شوید

مخاطب:

وزارت فرشته چهارم - هشدار نهایی
برنامه Whats: (+55) 41 99509 8425
advertenciafinal.com.br

ایمیل: contato@advertenciafinal
youtube.com/tvadvertenciafinal

فیس بوک: ministerioadvertenciafinal